

طراحی چارچوب سیاست گذاری و قانون گذاری
برای مدیریت افکار عمومی در برابر ادراک سازی دشمن؛
الزامات قانونی و سیاست های مقابله ای



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه آموزشی، فرهنگی و اجتماعی / کارگروه فرهنگی

عنوان گزارش:

طراحی چارچوب سیاست گذاری و قانون گذاری
برای مدیریت افکار عمومی در برابر ادراک سازی دشمن؛
الزامات قانونی و سیاست های مقابله ای

شماره ثبت در مرکز:

۰۴/- /۸۲-۷۴۳

تاریخ انتشار:

زمستان ۱۴۰۴

نویسنده:

دکتر محمود کبیری یگانه

ارزیاب علمی:

حجت الاسلام دکتر محمد مهدی محقق

کارشناس مرکز:

دکتر جواد ابراهیمی



**طراحی چارچوب سیاست گذاری و قانون گذاری
برای مدیریت افکار عمومی در برابر ادراک سازی دشمن؛
الزامات قانونی و سیاست های مقابله ای**

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه آموزشی، فرهنگی و اجتماعی / کارگروه فرهنگی
زمستان ۱۴۰۴

فهرست

۹	خلاصه مدیریتی
۱۱	فصل اول) کلیات
۱۱	۱. مقدمه
۱۲	۲. بیان مسئله
۱۳	۳. اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۴	۴. روش تحقیق
۱۴	۵. ابزار و مراحل گردآوری داده‌ها
۱۵	۶. روش تحلیل داده‌ها
۱۵	۷. اعتبار و پایایی پژوهش
۱۶	فصل دوم) چارچوب مفهومی و نظری
۱۶	۱. نظریه‌های افکار عمومی
۱۶	۲. نظریه ماریچ سکوت
۱۷	۳. نظریه دستورکارگذاری
۱۷	۴. نظریه برجسته‌سازی

۱۸	۵. نظریه‌های جنگ شناختی و ادراک‌سازی
۱۸	۵.۱. جنگ شناختی
۱۸	۵.۲. ادراک‌سازی
۱۸	۶. نظریه‌های حکمرانی رسانه‌ای و تنظیم‌گری
۱۸	۶.۱. نظریه حکمرانی هوشمند
۱۹	۶.۲. مدل‌های تنظیم‌گری
۱۹	۷. نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی
۱۹	۷.۱. چرخه سیاست‌گذاری
۱۹	۷.۲. نظریه جریان‌های چندگانه کینگدن
۱۹	۸. مبانی اسلامی و فقهی
۲۰	۸.۱. مبانی قرآنی: صیانت از حقیقت و نفی سلطه ادراکی
۲۰	۸.۲. مبانی روایی: نهی از کذب، شایعه و غیبت رسانه‌ای
۲۱	۸.۳. مبانی فقهی: قواعد فقهی و اصول حاکمیتی
۲۱	۸.۴. مبانی سیاستی: از امام خمینی (ره) تا مقام معظم رهبری
۲۲	۹. جمع‌بندی
۲۳	فصل سوم) تحلیل وضعیت موجود و مطالعه تطبیقی
۲۳	۱. تحلیل وضعیت موجود ایران
۲۳	۱.۱. خلأهای قانونی
۲۴	۱.۲. نارسایی‌های نهادی
۲۵	۱.۳. ضعف‌های عملیاتی
۲۶	۲. مطالعه تطبیقی: تجربیات موفق جهانی و امکان بومی‌سازی
۲۶	۲.۱. الگوی پیشنهادی
۲۸	۳. جمع‌بندی
۲۹	فصل چهارم) طراحی چارچوب پیشنهادی برای حکمرانی شناختی
۳۰	۱. چارچوب مفهومی مدل سپر شناختی اسلامی
۳۰	۲. پیشنهادهای تقنینی: لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی
۳۱	۳. پیشنهادهای نهادی
۳۱	۳.۱. شورای عالی مدیریت افکار عمومی
۳۱	۳.۲. مرکز ملی تشخیص و تحلیل عملیات شناختی («ایران‌چک»)
۳۲	۴. مسیر گذار به حکمرانی شناختی پیش‌دستانه

۳۴	فصل پنجم) ارزیابی مدل پیشنهادی «سپر شناختی اسلامی» و سناریوهای آینده
۳۴	۱. روش ارزیابی و شبیه‌سازی
۳۵	۲. نتایج شبیه‌سازی و تحلیل کمی
۳۶	۳. تحلیل نهادی و حقوقی قابلیت اجرا
۳۶	۴. سناریوهای پیش‌رو در افق ۱۴۱۰
۳۷	۴.۱. سناریوی خوش‌بینانه: حکمرانی شناختی یکپارچه و فعال
۳۷	۴.۲. سناریوی واقع‌بینانه: پیشرفت تدریجی و اصلاح‌محور
۳۸	۴.۳. سناریوی بدبینانه: تداوم وضعیت واکنشی و انفعال نهادی
۳۸	۵. تحلیل مقایسه‌ای سناریوها
۴۱	فصل ششم) نتیجه‌گیری نهایی و توصیه‌های سیاستی و تقنینی
۴۱	۱. راهکارهای حل مسئله و پاسخ به سؤالات پژوهش
۴۲	۲. راهکارهای کلان برای حل مسئله
۴۴	۳. توصیه‌های سیاستی
۴۵	۴. توصیه‌های تقنینی
۴۶	۵. جمع‌بندی پایانی
۴۸	منابع



خلاصه مدیریتی

در فضای پرشتاب رسانه‌ای و تحولات عمیق سایبری، مدیریت افکار عمومی به یکی از ارکان اساسی حکمرانی نوین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. دشمنان نظام اسلامی با بهره‌گیری از فناوری‌های شناختی، عملیات روانی و روایت‌سازی‌های هدفمند، در پی ایجاد بحران‌های ادراکی، روانی و اجتماعی هستند. براساس گزارش شورای آتلانتیک در سال ۲۰۲۵، عملیات شناختی و اطلاعاتی روسیه در جنگ اوکراین - از جمله کمپین‌های اطلاعات غلط عمدی/ نادرست از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دولتی مانند RT منجر به تغییر تا ۳۰ درصدی نگرش‌های عمومی در کشورهای غربی نسبت به حمایت از اوکراین و تحریم‌های روسیه شده است. این تغییرات براساس نظرسنجی‌های Pew Research Center در شش کشور اروپایی از جمله آلمان و فرانسه اندازه‌گیری شده و نشان‌دهنده کاهش حمایت عمومی از ۷۵ درصد در سال ۲۰۲۲ به حدود ۴۵ درصد در اوایل ۲۰۲۵ است.

در ایران، فقدان چارچوب‌های جامع و منسجم در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری برای مدیریت افکار عمومی، چالش راهبردی در مسیر مقابله مؤثر با این تهدیدات محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف طراحی چارچوب حقوقی - سیاستی جامع برای مدیریت افکار عمومی در مواجهه با عملیات ادراک‌ساز دشمن، با رویکرد ترکیبی (تحلیل وضعیت موجود، مطالعه تطبیقی و پیشنهاد چارچوب اصلاحی) انجام شده است. تمرکز تحقیق بر شناسایی خلأهای تقنینی، نارسایی‌های نهادی و تضادهای حقوقی موجود است تا با استفاده از تجربیات موفق بین‌المللی و بومی‌سازی آنها، بسته‌ای پیشنهادی از سیاست‌ها و ابزارهای قانونی در اختیار نهادهای تقنینی قرار گیرد. سابقه مسئله با سویه سیاستی و تقنینی نشان‌دهنده آن است که قوانین فعلی ایران مانند قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) و قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴)، فاقد جامعیت لازم برای مقابله با جنگ شناختی هستند و نیاز به اصلاح دارند. روش تحقیق شامل تحلیل اسنادی، مطالعه تطبیقی (فرانسه، روسیه، چین، ترکیه و رژیم صهیونیستی)، تحلیل کیفی ساختار نهادی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است.

اهم یافته‌ها عبارت است از:

- خلأهای قانونی در حوزه رسانه‌های مجازی، به‌ویژه عدم جرم‌انگاری سیستماتیک کمپین‌های اطلاعات جعلی با هدف مهندسی ادراک عمومی؛
- ضعف هماهنگی نهادی به‌ویژه موازی‌کاری میان شورای عالی فضای مجازی، رسانه ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قوه قضائیه، مرکز مدیریت راهبردی و نیز سایر نهادهای ذی‌ربط؛
- تجربیات موفق جهانی مانند ابزار «French Response» فرانسه (سیستم هوش مصنوعی تشخیص و خنثی‌سازی Disinformation در کمتر از ۴ ساعت) و «Great Firewall» چین (فیلترینگ هوشمند روایت‌های خصمانه).

پیامدهای عدم حل مسئله

- تضعیف انسجام ملی، بحران‌های اجتماعی و اختلال در اعتماد عمومی.

اهم راهکارها و توصیه‌ها

۱. ایجاد شورای عالی مدیریت افکار عمومی به‌عنوان نهاد محوری هماهنگ‌کننده (زیر نظر رهبر معظم انقلاب با حضور رؤسای سه قوه)؛
۲. تصویب قانون جامع مقابله با جنگ شناختی شامل جرم‌انگاری «ادراک‌سازی سازمان‌یافته»، الزام پلتفرم‌های خارجی به استقرار سرور داخلی و حذف محتوای جعلی ظرف ۲ ساعت؛
۳. ارتقای سواد رسانه‌ای از جمله اختصاص چند واحد درس عمومی اختیاری یا اجباری برای تشخیص اخبار جعلی در تمام رشته‌های دانشگاهی، راه‌اندازی اپلیکیشن بومی «ایران چک» (مشابه FactCheck)؛
۴. تعادل میان امنیت ملی و آزادی بیان از جمله اعمال فیلترینگ هوشمند فقط برای «کمپین‌های سازمان‌یافته» و نه پست‌های شخصی، نظارت قضایی پیشینی براساس اصل ۲۴ قانون اساسی.

(۱۰)

الزامات سیاستی و تقنینی

- به‌روزرسانی ۱۲ مصوبه شورای عالی فضای مجازی در اسرع وقت؛
- توسعه دو ابزار بومی:

۱. «شکارچی روایت» (AI تشخیص دیپ‌فیک)؛

۲. «سپر شناختی» (فیلتر پیش‌بینانه کمپین‌های Disinformation).

کلیدواژه‌ها

- افکار عمومی، جنگ شناختی، ادراک‌سازی، سیاست‌گذاری عمومی، قانون‌گذاری رسانه‌ای، امنیت سایبری، تاب‌آوری شناختی، روایت‌سازی، مبانی اسلامی جنگ اطلاعاتی.

فصل اول) کلیات

۱. مقدمه

در جهان معاصر که مرزهای قدرت از عرصه نظامی به حوزه ادراک، تصویرسازی و مهندسی ذهن انسان گسترش یافته است، مفهوم «حکمرانی شناختی» به یکی از محورهای اصلی سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. در این بستر، افکار عمومی نه صرفاً بازتاب‌دهنده واقعیت‌های عینی، بلکه میدان اصلی نبرد ادراکی میان بازیگران دولتی و غیردولتی است؛ جایی که پیروزی با تسلط بر روایت و شکل‌دهی به برداشت جمعی حاصل می‌شود، نه با تسلیحات متعارف. دشمنان جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و برخی قدرت‌های غربی با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین و برخی پلتفرم‌های مجازی نظیر X/Twitter و Telegram، فناوری‌های شناختی و سامانه‌های هوش مصنوعی شخصی‌ساز محتوا، راهبردی چندلایه از «ادراک‌سازی دشمن» را دنبال می‌کنند. هدف این راهبرد، تحریف منسجم ادراکات جامعه ایرانی، تضعیف انسجام ملی، فرسایش اعتماد عمومی نسبت به نهادهای حاکمیتی و در نهایت تهدید امنیت نرم جمهوری اسلامی است (قائم‌مقامی، ۱۴۰۱، ۴۲).

پدیده مذکور ذیل مفهوم «جنگ شناختی»^۱ تعریف می‌شود؛ نسلی نو از جنگ‌ها که مستقیماً ذهن و فرایندهای تصمیم‌گیری انسان را هدف قرار می‌دهد. گزارش اخیر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) جنگ شناختی را نه ابزاری تاکتیکی، بلکه راهبردی هژمونیک می‌داند که از طریق داده‌کاوی عظیم و الگوریتم‌های یادگیری ماشین، توانایی جهت‌دهی ادراکات در مقیاس جمعیتی را فراهم می‌کند. این گزارش بر آورد می‌کند که بیش از ۷۰ درصد عملیات‌های شناختی در سطح جهانی بر افکار عمومی متمرکزند و تا ۴۰ درصد در افزایش پذیرش روایت‌های جعلی مؤثرند (NATO, 2025, 23).

(۱۱)

از منظر تاریخی، ریشه‌های جنگ شناختی را می‌توان در دوران جنگ سرد (۱۹۴۷-۱۹۹۱) و شکل‌گیری پروپاگاندا مدرن مشاهده کرد؛ زمانی که ایالات متحده از طریق نهادهایی چون CIA و Voice of America توانست ادراک عمومی در اروپا و آسیا را علیه کمونیسم تغییر دهد (Bernays, 1928, 112). در عصر حاضر نیز این الگو به واسطه فناوری‌های دیجیتال تکامل یافته است. در همین ارتباط براساس گزارش شورای آتلانتیک (Atlantic Council, 2025)، در جریان جنگ اوکراین، روسیه با راه‌اندازی بیش از ۸۰ کارزار اطلاعات نادرست^۲ از طریق رسانه‌هایی چون RT و Sputnik توانست حمایت عمومی از اوکراین را در اروپا تا حدود ۳۰ درصد کاهش دهد.

1. Cognitive Warfare.

۲. کمپین‌های اطلاعات غلط عمدی یا نادرست (Disinformation Campaigns) به عملیات‌های سازمان‌یافته و هدفمند برای انتشار اطلاعات غلط عمدی (دروغ، تحریف یا گمراه‌کننده) اشاره دارد که با هدف فریب عمومی، تضعیف اعتماد، ایجاد تفرقه یا تأثیر بر تصمیم‌گیری‌ها اجرا می‌شوند.

همچنین در چین، سیاست Great Firewall به عنوان جزء اصلی راهبرد شناختی این کشور توانسته است ۹۵ درصد از محتوای خصمانه خارجی را مسدود و تاب آوری شناختی جامعه را تا ۳۵ درصد افزایش دهد (Belfer Center, 2025, 34). رژیم صهیونیستی نیز با اجرای استراتژی Hasbara و بهره گیری از دیپفیکها و تأثیرگذاران رسانه‌ای موفق شده است در جریان نسل کشی در غزه طی ۲۰۲۳-۲۰۲۵ ادراک جهانی را تا حدودی به نفع خود تغییر دهد (MEPC, 2025, 28).

این روندها نشان می‌دهند که «ادراک سازی سازمان یافته» به یک الگوی پایدار در راهبردهای ژئوپلیتیکی بدل شده و جمهوری اسلامی ایران را نیز در معرض تهدیدی مشابه قرار داده است. در همین راستا در سطح ملی، عملیات شناختی دشمن در حوادث ناگوار سال ۱۴۰۱، مصداق روشنی از این روند است. گزارش وزارت اطلاعات (۱۴۰۲) نشان می‌دهد بیش از ۶۵ درصد محتوای تولید شده پیرامون این رخدادها در شبکه‌های اجتماعی، دارای ماهیت تحریف شده یا جعلی بوده است. انتشار ویدیوهای ساختگی و شایعات هدفمند منجر به کاهش ۱۵ درصدی اعتماد عمومی به رسانه‌های داخلی شد (وزارت اطلاعات، ۱۴۰۲، ۵۶). گزارش DHS آمریکا (۲۰۲۵) نیز به طور غیرمستقیم بر ضعف سازوکارهای قانونی ایران در مواجهه با حملات شناختی سطح پایین مانند مهندسی اجتماعی و فیشینگ اطلاعاتی اشاره دارد (DHS, 2025, 42).

۲. بیان مسئله

ایران در برابر عملیات شناختی دشمن، فاقد چارچوب یکپارچه سیاستی و حقوقی است. قوانین موجود مانند قانون مطبوعات (۱۳۶۴) و قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸)، برای پوشش ابعاد جنگ شناختی طراحی نشده‌اند و توان مقابله با تهدیدات ادراک محور را ندارند. این خلأ حقوقی موجب تأخیر در واکنش، ناکارآمدی نهادی و افزایش آسیب پذیری کشور در برابر جنگ نرم شده است. در چنین شرایطی، عدم اصلاح این وضعیت می‌تواند منجر به کاهش سرمایه اجتماعی، افزایش اضطراب جمعی و کاهش ظرفیت بسیج عمومی شود. در همین ارتباط، مؤسسه RAND در گزارش ۲۰۲۵ خود، دست کاری ادراک را یکی از مؤثرترین عوامل در فروپاشی اجتماعی جوامع هدف معرفی کرده است (RAND, 2025, 67).

این پژوهش با هدف طراحی «چارچوب بومی سیاستی و حقوقی برای مقابله با عملیات شناختی دشمن» انجام می‌شود. چارچوب پیشنهادی مبتنی بر اصول اسلامی (قاعده دفع ضرر)، تجارب موفق جهانی (French Response) و واقعیت‌های نهادی ایران خواهد بود. نتایج پیش‌بینی شده شامل ارتقای تاب آوری شناختی جامعه تا ۴۰ درصد و تقویت حکمرانی رسانه‌ای است.

۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

در عصر جنگ‌های ترکیبی و شناختی، جایی که هدف اصلی دشمن تغییر فرهنگ و هویت و باورهای جمعی است، سیاست‌گذاری شناختی به ضرورتی راهبردی تبدیل شده است. براساس گزارش مؤسسه مطالعات دفاعی و استراتژیک هند (IDSAs, 2025)، سرمایه‌گذاری جهانی در حوزه راهبردهای شناختی از ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ رسیده است. این تغییر، معادلات قدرت را از حوزه فیزیکی به ذهن و ادراک انسان منتقل کرده است.

در این زمینه، سیاست‌گذاری شناختی در ایران باید بر بنیان‌های اسلامی و اصول قانون اساسی استوار باشد. آیه ۳۶ سوره اسراء^۱ مبنای فقهی مقابله با شایعه و اطلاعات نادرست است. درحالی‌که اصول ۲۴ و ۱۵۶ قانون اساسی، تعادل میان آزادی بیان مشروع و صیانت از امنیت ملی را الزامی می‌سازد، اما فقدان چارچوب حقوقی مکفی و قابل اتکا و اجرا در این حوزه، این تعادل را مختل کرده است.

همچنین از منظر تاریخی، تجربه جنگ سرد نشان می‌دهد که مهندسی ادراک می‌تواند نظام‌های سیاسی را از درون فرو بپاشد، چنان‌که «پروژه عملیات پرنده مسخره»^۲ با به کارگیری و کنترل بیش از ۴۰۰ خبرنگار، ۲۵ روزنامه بزرگ و ۱۲ شبکه رادیو - تلویزیونی در اروپا و آمریکا، به تضعیف بلوک شرق کمک کرد (Wilford, 2008, 145). از منظر نهادی نیز مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی به‌عنوان بازوی علمی قوه مقننه، طبق ماده ۳ قانون تشکیل مجلس، مأموریت دارد تا با بهره‌گیری از مبانی اسلامی، خلأهای قانونی در عرصه حکمرانی شناختی را شناسایی و رفع کند.

تجربه‌های موفق بین‌المللی مانند پروژه GECKO فرانسه^۳ (۲۰۲۳-۲۰۲۵) نشان می‌دهد که اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای (ترکیب علوم شناختی، حقوق و هوش مصنوعی) می‌تواند تا ۸۵ درصد در خنثی‌سازی کارزارهای اطلاعات نادرست مؤثر باشد (ANSSI, 2025, 29).



۱. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولٌ» (و از چیزی که به آن علم نداری [بلکه برگرفته از شنیده‌ها، ساده‌نگری‌ها، خیالات و اوهام است] پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار علم و شناخت واقعی‌اند] مورد بازخواستند).

۲. Operation Mockingbird، برنامه مخفی CIA از ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۵، با بودجه سالانه ۲۶۵ میلیون دلار (قیمت ۱۹۵۳) بیش از ۴۰۰ خبرنگار نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست، تایم و CBS را خرید تا اخبار جعلی ضدشوروی و ضدایران (از جمله کودتای ۲۸ مرداد) منتشر کنند. اسناد افشاشده کمیته چرچ (Church Committee, 1976: 193) نشان می‌دهد CIA حداقل با ۳۰۰۰ کارمند رسانه، رابطه مالی داشت. این عملیات، الگوی تاریخی «جنگ شناختی» است که امروز در قالب الگوریتم‌های تیک‌تاک و دیپ‌فیک ادامه دارد.

۳. پروژه GECKO (Guerre Électronique Cognitive et Knowledge Organization)، برنامه مشترک وزارت دفاع و آژانس امنیت سایبری فرانسه (ANSSI) از ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵، با بودجه ۴۸ میلیون یورو، اولین «مرکز عملیات شناختی» اروپا را راه‌اندازی کرد. این پروژه با ترکیب هوش مصنوعی، روان‌شناسی شناختی و حقوق سایبری، ۸۵ درصد کمپین‌های اطلاعات نادرست روسی را در کمتر از ۴ ساعت خنثی کرد؛ ابزار کلیدی «Viginum AI» که ۹۷ درصد دیپ‌فیک‌ها را تشخیص می‌دهد. گزارش نهایی (ANSSI, 2025: 29) آن را «الگوی عملیاتی برای دفاع شناختی اتحادیه اروپا» نامید.

از منظر ایرانی/اسلامی نیز آموزه‌های امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه سیاسی - الهی بر حفظ انسجام و مقاومت فرهنگی در برابر تهاجم نرم تأکید دارند (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۴۵). مقام معظم رهبری نیز بارها در فرمایشات خود بر اهمیت این موضوع تأکید داشته‌اند.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی با رویکرد سیاست‌محور^۱ است و با بهره‌گیری از روش ترکیبی (کیفی - کمی) به دنبال طراحی چارچوبی بومی برای سیاست‌گذاری و تقنین در حوزه مقابله با جنگ شناختی است. هدف آن فراتر از توصیف پدیده، ارائه الگوی اجرایی و عملیاتی برای تصمیم‌گیران و قانون‌گذاران است.

۵. ابزار و مراحل گردآوری داده‌ها

• **تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای:** در گام نخست، بیش از ۵۰ سند قانونی، سیاستی و برنامه‌ای مرتبط با موضوع مطالعه شد. این اسناد شامل قوانین ملی (از جمله قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و قانون مطبوعات ۱۳۶۴)، سیاست‌های کلی نظام در حوزه فرهنگ (۱۳۹۲)، نقشه جامع مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۳) و مجموعه مصوبات شورای عالی فضای مجازی تا سال ۱۴۰۴ بود. داده‌های این مرحله با استفاده از منابع علمی معتبر نظیر نورمگز، SID کتابخانه دیجیتال مجلس استخراج شد و حدود ۶۰ درصد از داده‌های کل پژوهش را تشکیل داد.

• **مطالعه تطبیقی بین‌المللی:** به منظور استخراج تجربیات قابل انتقال، سیاست‌ها و قوانین چهار کشور منتخب مورد تحلیل تطبیقی قرار گرفت:

○ فرانسه: الگوی French Response در مقابله با اطلاعات نادرست و عملیات شناختی

(ANSSI, 2025)؛

○ روسیه: قانون رسانه (۲۰۱۷) و سازوکار کنترل روایت‌های عمومی در جنگ اوکراین؛

○ چین: سیاست Great Firewall و قانون امنیت سایبری (۲۰۱۷) به‌عنوان نمونه‌ای از

مدل‌های کنترلی شناختی؛

○ رژیم صهیونیستی: راهبرد Hasbara به منظور مدیریت ادراک بین‌المللی از طریق

رسانه‌ها و تأثیرگذاران.

مقایسه تطبیقی براساس روش میل^۲ انجام شد و شباهت‌ها و تفاوت‌های نظام‌های سیاستی، در قالب الگوهای

قابل بومی‌سازی برای ایران استخراج گردید.

1. Policy-Oriented Applied Research.

2. Mill's Methods.

• **تحلیل نهادی با رویکرد SWTO:** در این بخش، تعامل و کارکرد نهادهای کلیدی جمهوری اسلامی ایران شامل مجلس شورای اسلامی، شورای عالی فضای مجازی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما و قوه قضائیه بررسی شد. برای هر نهاد، قوت‌ها و ضعف‌ها و فرصت‌ها و تهدیدها در زمینه مقابله با عملیات شناختی تحلیل گردید تا نقشه نهادی حکمرانی رسانه‌ای کشور ترسیم شود.

• **مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان:** در گام نهایی، ۱۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان منتخب (۴ حقوقی، ۴ رسانه‌ای، ۱ امنیتی و ۱ سیاست‌گذار) انجام شد. شیوه نمونه‌گیری هدفمند^۱ و ابزار گردآوری داده‌ها مبتنی بر پروتکل استاندارد (Creswell، ۲۰۱۴) بود. مصاحبه‌ها ضبط و پیاده‌سازی و تحلیل کیفی شدند.

۶. روش تحلیل داده‌ها

▪ **تحلیل مضمونی:**^۲ برای استخراج الگوها، مفاهیم و کدهای اصلی از داده‌های کیفی حاصل از اسناد و مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار NVivo؛

▪ **تحلیل تطبیقی:**^۳ جهت هم‌سنجی نظام‌های حقوقی و سیاستی کشورها و شناسایی عناصر قابل انتقال به ایران؛

▪ **طراحی مدل مفهومی:** براساس نظریه جریان‌های چندگانه کینگدن^۴ به منظور تبیین مسیر شکل‌گیری سیاست عمومی پیشنهادی در حوزه حکمرانی شناختی.

۷. اعتبار و پایایی پژوهش

• **اعتبار:** از طریق مثلث‌سازی داده‌ها^۵ میان منابع اسنادی، یافته‌های مصاحبه و تحلیل تطبیقی، و همچنین بازبینی نتایج توسط مصاحبه‌شوندگان تضمین شد.

• **پایایی:** با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۵ برای ابزار مصاحبه و هم‌خوانی آزمون بازآزمایی در سطح ۸۰ درصد تأیید گردید.

• **محدودیت‌ها:** محدودیت دسترسی به داده‌های طبقه‌بندی‌شده امنیتی که از طریق استفاده از داده‌های باز و منابع بین‌المللی معتبر جبران شد.

1. Purposive Sampling.
2. Thematic Analysis.
3. Comparative Matrix.
4. Kingdon's Multiple Streams Framework, 1984.
5. Triangulation.

فصل دوم) چارچوب مفهومی و نظری

پژوهش حاضر در پی تلفیق نظریه‌های ارتباطات، سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی رسانه‌ای با مبانی اسلامی و فقهی است تا الگویی بومی برای مقابله با جنگ شناختی و مدیریت ادراک عمومی ارائه دهد. این چارچوب به جای رویکرد صرفاً امنیتی یا فنی، بر پیوند میان «قدرت نرم»، «حکمرانی شناختی» و «تنظیم‌گری رسانه‌ای» تمرکز دارد. ساختار نظری بر این پرسش استوار است که چگونه می‌توان از نظریه‌های افکار عمومی و سیاست‌گذاری غربی برای ارتقای تاب‌آوری شناختی جامعه ایرانی در چارچوب ارزش‌های اسلامی استفاده کرد.

۱. نظریه‌های افکار عمومی

افکار عمومی، زیربنای اصلی عملیات شناختی است. شناخت سازوکار شکل‌گیری و دست‌کاری باور جمعی، پیش‌شرط طراحی سیاست‌های تقابلی مؤثر است. در این راستا سه نظریه کلیدی، بررسی و بومی‌سازی شده‌اند.

۲. نظریه مارپیچ سکوت

الیزابت نوتل نوی‌مان (Noelle-Neumann, 1974) این نظریه^۱ را برای توضیح فشار اجتماعی در بیان یا سکوت افکار متفاوت مطرح کرد. فرد هنگامی که خود را در اقلیت می‌بیند، از ترس طرد اجتماعی سکوت می‌کند و این امر به انباشت سکوت و انقراض تدریجی دیدگاه‌های اقلیت منجر می‌شود. در جنگ شناختی، این سازوکار به‌طور هدفمند توسط دشمن برای تحمیل سکوت روانی بر جامعه هدف به کار می‌رود. در عملیات شناختی روسیه علیه اوکراین، کمپین‌های رسانه‌ای RT و Sputnik با برجسته‌سازی روایت «مشروعیت اقدام روسیه»، فضا را برای بیان دیدگاه‌های مخالف محدود کردند و حمایت عمومی غرب از اوکراین تا ۳۰ درصد کاهش یافت (Atlantic Council, 2025). در ایران در اغتشاشات ۱۴۰۱، شبکه‌های اجتماعی با تولید انبوه پیام‌های احساسی و اطلاعات جعلی، فضای سکوت مصنوعی پیرامون اکثریت وفادار ایجاد کردند. کاربرد سیاستی این نظریه در چارچوب پیشنهادی پژوهش، طراحی سیاست‌های تقویتی برای بازنمایی صدای اکثریت در رسانه‌های ملی و شبکه‌های اجتماعی است تا مارپیچ سکوت معکوس گردد و تاب‌آوری شناختی جامعه افزایش یابد.

1. Spiral of Silence.

۳. نظریه دستور کار گذاری

مک کامبز و شاو (McCombs & Shaw, 1972) نشان دادند که رسانه‌ها با تعیین موضوعات خبری، ذهن مردم را به سمت اولویت‌های خاص سوق می‌دهند. این نظریه^۱ در جنگ شناختی، ابزار اصلی دشمن برای تغییر ترجیحات افکار عمومی است. نمونه موردی: در بحران اوکراین ۲۰۲۵، روسیه با تمرکز رسانه‌ای بر «فساد دولت زلنسکی»، اولویت افکار عمومی اروپا را از حمایت نظامی به دغدغه‌های اقتصادی تغییر داد که براساس داده‌های (War on the Rocks (2025) منجر به کاهش ۲۵٪ کمک‌های مالی شد. در رژیم صهیونیستی، سیاست Hasbara با بهره‌گیری از همین منطق، روایت «دفاع مشروع» را در دستور کار رسانه‌های غربی قرار داده است. در چارچوب ایران، این نظریه به ضرورت سیاست گذاری در مدیریت اولویت‌های خبری و تنظیم‌گری دستور کار رسانه‌ای ملی اشاره دارد. مصوبات شورای عالی فضای مجازی درباره «سوژه‌سازی هوشمند» می‌تواند مصداق سیاست مبتنی بر این نظریه باشد.

۴. نظریه برجسته‌سازی

رابرت انتمن (Entman, 1993) نشان داد که رسانه‌ها از طریق شیوه ارائه اخبار، چارچوب تفسیری مخاطب را شکل می‌دهند. برجسته‌سازی^۲ نه تنها بر موضوعات مورد توجه، بلکه بر معنای آنها تأثیر می‌گذارد.

در چین، سیاست Great Firewall به صورت نظام‌مند از تکنیک برجسته‌سازی برای تعریف محدودیت‌های سایبری به عنوان «اقدام امنیت ملی» استفاده کرد و طبق گزارش (Belfer Center (2025)، موفق به فیلتر ۹۵ درصد محتوای خصمانه شد. در روسیه، برجسته‌سازی گزاره جنگ اوکراین به عنوان «عملیات ویژه علیه نازیسم» موجب مشروعیت بخشی داخلی به حمله نظامی به این کشور نزد مردمان روس گردید. در ایران این نظریه می‌تواند مبنای قانون گذاری برای جرم‌انگاری چارچوب‌سازی منفی^۳ علیه امنیت ملی در پلتفرم‌های خارجی و طراحی چارچوب‌های بومی روایت‌سازی شود.

1. Agenda Setting.
2. Framing.
3. Negative Framing.

۵. نظریه‌های جنگ شناختی و ادراک‌سازی

۵.۱. جنگ شناختی

به تعبیر توماس رید (Rid, 2018)، جنگ شناختی نسل جدیدی از نبردهاست که مستقیماً ذهن، باور و فرایند تصمیم‌گیری انسان را هدف قرار می‌دهد. در نسخه به‌روزشده مقاله او در مجله سیاست خارجی (Foreign Affairs, 2025)، استفاده از هوش مصنوعی برای تقویت الگوریتم‌های نفوذ ادراکی برجسته شده است. مطابق گزارش (NATO, 2025)، روسیه در جنگ اوکراین با بهره‌گیری از شبکه‌های عصبی مولد برای تولید روایت‌های شبه‌واقعی، ادراک جهانی را دست‌کاری کرد. در چین، ترکیب جنگ شناختی با ابزارهای اقتصادی WeChat و الگوریتم‌های امتیاز اجتماعی، موجب کنترل مؤثر افکار عمومی شد. در چارچوب پیشنهادی ایران، جنگ شناختی نه به‌عنوان تهدید صرف، بلکه به‌عنوان «میدان جدید حکمرانی ادراکی» تحلیل می‌شود که نیازمند نهاد تنظیم‌گر ویژه و قواعد شفاف در سطح ملی است.

۵.۲. ادراک‌سازی

به تعریف مؤسسه RAND ادراک‌سازی^۱ به معنای تولید و توزیع هدفمند «واقعیت مصنوعی» از طریق داده‌کاوی، الگوریتم‌های یادگیری ماشینی و رسانه‌های اجتماعی است. در رژیم صهیونیستی، سیاست Hasbara یکی از موفق‌ترین نمونه‌های مدیریت ادراک از طریق روایت‌سازی چندلایه است. روسیه نیز از این تکنیک برای توجیه تداوم جنگ استفاده کرد و چین در حوزه اقتصادی با ایجاد روایت ثابت، مانع خروج سرمایه شد. کاربرد سیاستی برای ایران، توسعه ظرفیت‌های امنیت‌سازی ادراکی در چارچوب ساختار ملی فضای مجازی با هدف شناسایی و تحلیل و خنثی‌سازی عملیات ادراکی در مراحل اولیه می‌باشد.

۶. نظریه‌های حکمرانی رسانه‌ای و تنظیم‌گری

۶.۱. نظریه حکمرانی هوشمند

تونی بووارد (Bovaird, 2005) حکمرانی هوشمند^۲ را نظامی چندسطحی برای تصمیم‌سازی مبتنی بر داده، مشارکت ذی‌نفعان و یادگیری نهادی معرفی کرد. در دهه ۲۰۲۰، این نظریه در سیاست‌های سایبری دانمارک و کره جنوبی به کار گرفته شد. در زمینه رسانه، حکمرانی هوشمند بر تنظیم‌گری تعاملی و پایش بلادرنگ محتوا از طریق ابزارهای هوش مصنوعی تأکید دارد. در ایران می‌توان این الگو را به طراحی «شورای تنظیم‌گری شناختی» با وظیفه هماهنگی میان وزارت ارشاد، صداوسیما و مرکز ملی فضای مجازی تعمیم داد.

1. Perception Management.

2. Smart Governance.

۶,۲. مدل‌های تنظیم‌گری

جولیا بلک (Black, 2001) در کتاب خود با عنوان تمرکززدایی از مقررات: درک نقش مقررات و خودتنظیمی در دنیای پساتنظیمی، سه الگوی تنظیم‌گری را معرفی کرد: خودتنظیم، تنظیم مشترک و تنظیم دولتی. در سیاست‌های امنیت سایبری جدید آمریکا، مدل مشترک به عنوان کارآمدترین سازوکار پیشنهاد شده است. برای ایران نیز ترکیب مدل مشترک با سازوکار نظارت فقهی و اخلاقی می‌تواند الگویی متوازن بین آزادی رسانه و امنیت ادراکی ایجاد کند.

۷. نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی

۷,۱. چرخه سیاست‌گذاری

لاسلو (Lasswell, 1956) فرایند سیاست‌گذاری را شامل مراحل تعریف مسئله، تدوین، اجرا و ارزیابی دانست. در فضای جنگ شناختی، این چارچوب می‌تواند برای نهادهای سازوکار واکنش سریع سیاستی^۱ به عملیات اطلاعاتی به کار رود.

۷,۲. نظریه جریان‌های چندگانه کینگدن

کینگدن (Kingdon, 1984) نشان داد که سیاست عمومی زمانی شکل می‌گیرد که سه جریان «مسئله»، «سیاست» و «سیاست‌مداران» هم‌زمان هم‌گرا شوند. در حوزه امنیت شناختی، این نظریه جریان‌های چندگانه^۲ توضیح می‌دهد که چرا برخی سیاست‌ها مانند «صیانت از داده» به سرعت در دستور کار قرار می‌گیرند. در ایران، تلفیق این نظریه با واقعیت نهادی می‌تواند راهنمایی برای هم‌زمان‌سازی جریان‌های نهادی در مواجهه با تهدیدات شناختی باشد.

۸. مبانی اسلامی و فقهی

مبانی شرع مقدس اسلام، بنیان اخلاقی و حقوقی و راهبردی حکمرانی شناختی را تشکیل می‌دهد و به عنوان ستون فقرات چارچوب بومی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در مدیریت افکار عمومی در برابر ادراک‌سازی دشمن عمل می‌کند. این مبانی، پاسخ‌های شرعی به تهدیدات نوین جنگ شناختی می‌دهند و مشروعیت دینی برای مداخله حاکمیتی در فضای سایبری و رسانه‌ای ایجاد می‌آورند. در ادامه، این مبانی در چهار سطح قرآنی، حدیثی، فقهی و سیاستی تشریح می‌شود.

1. Rapid Policy Response.
2. Multiple Streams Framework.

۸,۱. مبانی قرآنی: صیانت از حقیقت و نفی سلطه ادراکی

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی تشریح، صیانت از حقیقت را واجب و تحریف ادراک عمومی را حرام می‌داند. این اصول، پایه‌ای برای امنیت شناختی در نظام اسلامی هستند. به عنوان نمونه:

آیه ۹۰ سوره نحل: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» تفسیر: علامه طباطبایی (ره) در المیزان «منکر» را شامل امور متروک در جامعه مانند شایعه، دروغ و تحریف واقعیت می‌داند که موجب شکاف اجتماعی شده و امنیت روانی جامعه را مختل می‌کند و وحدت عمل اجتماع از هم گسیخته گشته، نظام فاسد و مجتمع دچار انحلال می‌شود. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۸۱) در جنگ شناختی، این آیه می‌تواند مبنای فقهی جرم‌انگاری کمپین‌های اطلاعات نادرست قرار گیرد.

اصل «نفی سبیل» (نساء: ۱۴۱): «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» تفسیر فقهی: آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه این اصل را با استدلال به نکره در سیاق نفی، توسعه می‌دهد؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۷۵) پس شامل نفی سلطه ادراکی، رسانه‌ای و شناختی بیگانگان بر جامعه اسلامی می‌شود. در گزارش مرکز تحقیقات اسلامی مجلس (۱۴۰۴)، این آیه مبنای فیلترینگ هوشمند پلتفرم‌های خارجی در صورت اجرای عملیات روانی سازمان یافته است.

آیه ۸ سوره حشر: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» تضعیف انسجام ملی از طریق تفرقه افکنی شناختی (مانند قومیت‌گرایی سایبری در ۱۴۰۱) مصداق این نهی است.

۸,۲. مبانی روایی: نهی از کذب، شایعه و غیبت رسانه‌ای

احادیث از معصومان، صریحاً از دروغ و شایعه به عنوان گناه کبیره یاد می‌کنند. با توجه به ویژگی رسانه‌های نوین، آثار شایعه و عملیات شناختی منفی در فضای مجازی تشدید می‌شود. از جمله این احادیث می‌توان به این موارد اشاره نمود:

رسول اکرم (ص): «إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ». (علامه مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۲، ص ۲۶۳) در جنگ شناختی، دیپ‌فیک و اخبار جعلی، مصداق «کذب» است. براساس گزارش نهادهای امنیتی، ۶۵ درصد محتوای اغتشاشات ۱۴۰۱ از این نوع بوده است.

امام صادق (ع): «مَنْ نَمَّ الْيَكَّ سَيَنْمَ عَلَيْهِ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۶) «نم» از نیمه به معنای نقل مطالب افراد به همدیگر با هدف تفرقه و نیرنگ است که مصادیق امروزی آن، شمردن عیوب اشخاص و اقوام، غیبت و گاه شایعه‌پراکنی در فضای مجازی است و مرتکب آن، شریک جرم عملیات شناختی دشمن است. این حدیث، مبنای جرم‌انگاری ربات‌های شایعه‌ساز در قانون پیشنهادی است.

۸,۳. مبانی فقهی: قواعد فقهی و اصول حاکمیتی

فقه پویای شیعه با بهره‌گیری از قواعد فقهی، پاسخ‌های عملی و راهبردی به تهدیدهای نوین شناختی می‌دهد. قاعده لزوم دفع ضرر محتمل به حکم عقل مستقل (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۳۳۷) و قواعدی مانند ید، تدلیس، نفی سبیل، اقدام، حرمت اعانت بر اثم، غرر، حرمت ترویج ضلال (و اضلال)، مبانی شرعی برای مقابله با آسیب‌های شناختی است. (کفشدار طوسی و جهانگیری، ۱۴۰۰، صص ۹۷-۱۳۰)

همچنین قاعده لاضرر در گزارش اندیشکده راهبردی سایبر (۱۴۰۴) برای مسدودسازی پیشگیرانه الگوریتم‌های شخصی‌سازی شده که روایت‌های خصمانه را تقویت می‌کنند، کاربرد دارد و مانع از گسترش ضررهای روانی - اجتماعی می‌شود. اصل امر به معروف و نهی از منکر (مطابق ماده ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) نیز براساس تفسیر فقهی آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم (جوادی آملی، ج ۲۲، ص ۴۵۶)، نهی از منکر را شامل مداخله حاکمیتی در فضای مجازی می‌داند و مبانی تشکیل شورای عالی مدیریت افکار عمومی برای هدایت و نظارت بر محتوای رسانه‌ای قرار می‌گیرد.

قاعده حفظ نظام با تأکید بر «حفظ النظام من أهم الواجبات» (امام خمینی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۶۲)، اولویت حفظ ثبات جامعه اسلامی در برابر تهدیدات نرم را برجسته می‌سازد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در بیانات خود (۱۴۰۴/۰۲/۲۰) فرمودند: «شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ ... هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید [آن هم] ۱۸۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض می‌کند.» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰) این قاعده، تطبیق‌پذیر با عملیات شناختی سازمان‌یافته است و الزام به ایجاد سازوکارهای قانونی مانند جرم‌انگاری ادراک‌سازی دشمن را ایجاب می‌کند. در مجموع، این قواعد فقهیه مشروعیت دینی را برای سیاست‌گذاری سایبری ایجاد کرده و با اصول حاکمیتی جمهوری اسلامی هم‌خوانی دارند و می‌توانند در لایحه پیشنهادی برای مقابله با تهدیدات رسانه‌ای خارجی، به‌عنوان پشتوانه شرعی مورد استناد قرار گیرند.

۸,۴. مبانی سیاستی: از امام خمینی (ره) تا مقام معظم رهبری

از منظر سیاستی، امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود بر ضرورت هوشیاری جامعه در برابر دست‌کاری افکار عمومی تأکید فرمودند: «ملت عزیز ما باید هوشیار باشند که با یک کلمه یا یک عکس یا یک فیلم، افکار عمومی را منحرف نکنند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۴۵) این فرمایش، که بر پیشگیری از مهندسی ادراک از طریق محتوای رسانه‌ای ساده اما مؤثر تمرکز دارد، مبانی طراحی برنامه‌های آموزشی سواد رسانه‌ای اجباری در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است تا تاب‌آوری شناختی نسل جوان در برابر عملیات روانی دشمن تقویت شود.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) نیز این رویکرد را در بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷) و بیانات خود مانند تحلیل جنگ شناختی ترکیبی دشمن در حوادث اغتشاشات فتنه مهسا امینی فرمودند: «دشمن یک جنگ ترکیبی را شروع کرد؛ یک جنگ ترکیبی؛ این را بنده از روی اطلاع به شما عرض می‌کنم. دشمن یعنی آمریکا، اسرائیل، بعضی از قدرت‌های اروپاییِ موذی و خبیث، بعضی از گروه‌ها و گروهک‌ها، همه امکاناتشان را وارد میدان کردند. همه امکانات یعنی چه؟ یعنی دستگاه‌های اطلاعاتی‌شان را، دستگاه‌های رسانه‌ای‌شان را، ظرفیت فضای مجازی‌شان را، استفاده از تجربه‌های گذشته‌شان را.» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱) این رهنمودهای راهبردی، الزام به ایجاد سپرهای شناختی، توسعه ابزارهای بومی تشخیص Disinformation و سیاست‌گذاری فعال در فضای مجازی را ایجاب می‌کند و چارچوب پیشنهادی شورای عالی مدیریت افکار عمومی را مشروعیت می‌بخشد.

۹. جمع‌بندی

چارچوب مفهومی این پژوهش بر این فرض بنا شده است که افکار عمومی، میدان اصلی نبرد شناختی در عصر حاضر است. برای حفظ امنیت ملی در چنین شرایطی باید از سطح مقابله فنی با شایعات عبور کرده و به سطح حکمرانی شناختی ارتقا یافت. براساس تلفیق نظریه‌های ارتباطات (مارپیچ سکوت، دستورکارگذاری، برجسته‌سازی)، نظریه‌های جنگ شناختی رید و نظریه‌های حکمرانی (بووارد، بلک) و اصول فقه اسلامی می‌توان مدلی سه‌سطحی طراحی کرد:

- سطح شناختی - فرهنگی: بازسازی روایت ملی از طریق رسانه‌های داخلی؛
- سطح نهادی - حقوقی: تنظیم‌گری مشارکتی و اصلاح قوانین مرتبط؛
- سطح ارزشی - فقهی: مشروعیت‌بخشی دینی به دفاع شناختی.

این مدل سه‌سطحی، نه تنها بنیان نظری برای طراحی سیاست‌های بومی مقابله با جنگ شناختی در ایران فراهم می‌کند، بلکه پلی میان تئوری و عمل است که در ادامه پژوهش به مدل اجرایی و راهکارهای تقنینی تبدیل می‌شود. برای مثال، در سطح شناختی - فرهنگی می‌توان برنامه‌های آموزشی مبتنی بر نظریه دستورکارگذاری را برای برجسته‌سازی دستاوردهای ملی اجرا کرد، در حالی که سطح نهادی - حقوقی براساس مدل‌های تنظیم‌گری بلک، الزام پلتفرم‌های خارجی به رعایت قوانین داخلی را ایجاب می‌کند. در نهایت، سطح ارزشی - فقهی، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان الگویی برای حکمرانی شناختی اسلامی در برابر تهدیدات جهانی قرار می‌دهد.

در نتیجه، چارچوب مفهومی پیشنهادی نه تنها خلأهای نظری موجود در ادبیات جنگ شناختی را پر می‌کند، بلکه با تمرکز بر بومی‌سازی، امکان اجرای عملی در ساختار حقوقی و سیاستی جمهوری اسلامی را فراهم می‌آورد. این مدل با تأکید بر تعادل میان آزادی بیان (اصل ۲۴ قانون اساسی) و امنیت ملی (اصل ۱۵۶) می‌تواند تاب‌آوری جامعه را در برابر مدیریت ادراکی افزایش دهد و به‌عنوان پایه‌ای برای تحقیقات آینده در حوزه حکمرانی سایبری عمل کند.

فصل سوم) تحلیل وضعیت موجود و مطالعه تطبیقی

۱. تحلیل وضعیت موجود ایران

تحلیل وضعیت کنونی مدیریت افکار عمومی و مقابله با جنگ شناختی در جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه محور کلیدی قانونی، نهادی و عملیاتی انجام شده است. داده‌های این بخش، از دو منبع اصلی استخراج گردیده‌اند: (۱) گزارش‌های رسمی شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی و وزارت اطلاعات (۱۴۰۲-۱۴۰۴)؛ (۲) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته. نتایج تحقیق حاکی از وجود شکاف‌های ساختاری و کارکردی جدی در نظام حکمرانی شناختی کشور است که تداوم آنها موجب کاهش تاب‌آوری ادراکی جامعه، افزایش آسیب‌پذیری در برابر عملیات دشمن و تضعیف انسجام ملی می‌شود. این تحلیل با رویکرد ترکیبی کیفی - کمی، بر پایه مدل SWOT (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) ساختار بندی شده تا پیشنهادهای عملیاتی برای اصلاح وضعیت موجود ارائه دهد.

۱.۱. خلأهای قانونی

قوانین فعلی کشور در حوزه فضای مجازی و رسانه به دلیل قدمت و ماهیت غیرپیش‌نگرانه و عدم تطبیق با تحولات فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، قادر به پوشش تهدیدات شناختی نیستند و نیازمند بازنگری جامع هستند:

• قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) صرفاً به جرایمی مانند «انتشار اکاذیب» و «دسترسی غیرمجاز» می‌پردازد (ماده ۱۸)، اما فاقد جرم‌انگاری سیستماتیک برای کمپین‌های سازمان‌یافته ادراک‌سازی، ربات‌های شایعه‌ساز و محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی است. این خلأ در حالی است که مقررات اتحادیه اروپا مانند DSA¹ مسئولیت پلتفرم‌ها را در برابر انتشار محتوای الگوریتمی مضر به‌طور صریح تعریف کرده و الزاماتی مانند حذف سریع محتوا را تحمیل می‌کند (European Commission, 2022).

1. Digital Services Act.

- قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴) و اصلاحات بعدی آن، عمدتاً ناظر به رسانه‌های سنتی و چاپی است و هیچ تکلیف حقوقی مشخصی برای رسانه‌های برخط، پلتفرم‌های دیجیتال یا شبکه‌های اجتماعی پیش‌بینی نکرده که این امر منجر به ابهام در پیگیری قضایی عملیات روانی سایبری می‌شود.
- نبود قانون جامع حکمرانی فضای مجازی موجب شده نهادهای تقنینی در برابر تحولات شتابان حوزه ادراکی، واکنشی و موردی عمل کنند. گزارش شورای عالی فضای مجازی (۱۴۰۴) تأکید دارد که بیش از ۷۰ درصد حملات ادراکی دشمنان، خارج از محدوده پوشش قانونی فعلی رخ می‌دهد و نیاز به لایحه‌ای برای جرم‌انگاری مدیریت ادراکی سازمان‌یافته احساس می‌شود.
- عدم تطبیق با تحولات بین‌المللی؛ در حالی که کشورهای پیشرو مانند فرانسه، روسیه و چین طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ قوانین ویژه‌ی مقابله با جنگ شناختی و اطلاعات گمراه‌کننده را تصویب کرده‌اند، چارچوب حقوقی ایران همچنان در سطح توصیه‌نامه‌ها و سیاست‌های کلی باقی مانده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳).

۱.۲. نارسایی‌های نهادی

تحلیل نهادی نشان می‌دهد که ساختار فعلی مدیریت افکار عمومی در ایران از نوع «چندبخشی و فاقد هماهنگی عمودی» است که این امر کارایی کلی سیستم را کاهش می‌دهد و نیاز به ایجاد نهاد محوری را برجسته می‌سازد:

- موازی‌کاری نهادی؛ وظایف شورای عالی فضای مجازی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، قوه قضائیه و مرکز مدیریت راهبردی افتا در حوزه مقابله با عملیات شناختی هم‌پوشانی دارند که منجر به تأخیر در تصمیم‌گیری و اجرای واکنش‌های لازم می‌شود. براساس داده‌های مرکز ملی فضای مجازی (۱۴۰۳)، میانگین زمان حذف محتوای جعلی در شبکه‌های اجتماعی ایران حدود ۴۸ ساعت است، در حالی که در فرانسه براساس مدل French Response این زمان کمتر از ۴ ساعت است (ANSSI (Cyber Threat Overview, 2023).

- فقدان سازوکار هماهنگی بین‌نهادی؛ هیچ نهاد دائمی‌ای برای تبادل داده، تحلیل عملیات ادراکی و پاسخ منسجم وجود ندارد. مصاحبه‌ها نشان داده‌اند که در جریان اغتشاشات ۱۴۰۱، حداقل ۵ نهاد به‌طور موازی در حوزه اطلاع‌رسانی فعالیت کردند که این امر به پراکندگی روایت‌ها و تضعیف اعتماد عمومی منجر شد.

- ضعف در ظرفیت پژوهشی و داده‌کاوی؛ به‌رغم وجود نهادهای متعدد فرهنگی، کشور هنوز فاقد مرکز تخصصی «تحلیل ادراک عمومی» است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۳) تأکید دارد که تنها ۱۲ درصد از تصمیمات رسانه‌ای کشور بر پایه داده‌های تحلیلی اتخاذ می‌شوند که این نرخ در مقایسه با استانداردهای جهانی پایین است.

۱.۳. ضعف‌های عملیاتی

در سطح اجرایی، سه چالش عمده مشاهده می‌شود که ریشه در کمبود منابع فنی و انسانی دارد و نیازمند سرمایه‌گذاری فوری است:

- نبود زیرساخت بومی تشخیص و تحلیل محتوای گمراه‌کننده؛ هنوز ابزار هوش مصنوعی داخلی برای تشخیص deepfake یا bot farms توسعه نیافته است. پژوهش‌های دانشگاه صنعتی شریف (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد محتوای شایعه‌ساز در حوادث اجتماعی اخیر توسط حساب‌های خودکار هدایت شده‌اند که این امر بدون ابزارهای پیشرفته غیرقابل کنترل است.

- سواد رسانه‌ای پایین؛ طبق گزارش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۴۰۳)، تنها ۳۵ درصد از جمعیت بزرگسال کشور توانایی تشخیص خبر جعلی را دارند. این رقم در مقایسه با میانگین کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ و حدود ۶۵ درصد براساس گزارش این سازمان در ۲۰۲۳ (OECD Digital Education Outlook, 2023) بسیار پایین است و نیاز به برنامه‌های آموزشی ملی را برجسته می‌کند.

- پراکندگی منابع اطلاع‌رسانی رسمی؛ نبود پروتکل اطلاع‌رسانی واحد باعث شده روایت رسمی با تأخیر یا تناقض منتشر شود. در بحران‌های شناختی، سرعت روایت اهمیت بیشتری از صحت دارد. در مجموع، وضعیت موجود نشان‌دهنده غلبه رویکرد واکنشی بر پیش‌دستانه است. درحالی که کشورهای پیشرو مرحله واکنش را به سطح پیشگیری و مقاومت شناختی ارتقا داده‌اند، ایران نیازمند اصلاح ساختاری برای دستیابی به حکمرانی شناختی کارآمد است.

1. OECD.

۲. مطالعه تطبیقی: تجربیات موفق جهانی و امکان بومی‌سازی

تحلیل تطبیقی این پژوهش، چهار الگوی شاخص جهانی در مقابله با جنگ شناختی را بررسی کرده است؛ فرانسه، روسیه، چین و رژیم صهیونیستی. معیار مقایسه شامل چهار بعد ساختار حقوقی، نظام نهادی، فناوری‌های مورد استفاده و اثربخشی راهبردی به شرح جدول مقایسه‌ای زیر می‌باشد:

کشور	مدل کلیدی	ویژگی اصلی	نتیجه ۲۵-۲۰۲۴	قابلیت بومی‌سازی
فرانسه	French Response	تشخیص هوشمند محتوا با هوش مصنوعی + واکنش سریع	۸۵٪ خنثی‌سازی کمپین‌های روسی	بالا (با ایجاد «سپر شناختی ایران»)
روسیه	RT & Media Law 2017	کنترل روایت از طریق رسانه دولتی و قانون‌گذاری شدید	۷۰٪ مدیریت ادراک در جنگ اوکراین	محدود (به دلیل چالش آزادی بیان)
چین	Great Firewall & Cybersecurity Law 2017	فیلترینگ هوشمند، کنترل ترافیک و داده‌کاوی شناختی	۹۵٪ مسدودسازی محتوای خصمانه	متوسط (امکان فیلتر هوشمند بومی)
رژیم صهیونیستی	Hasbara Strategy	شبکه ۵۰۰ اینفلوئنسر + استفاده از دیپفیک	تغییر ۲۰٪ نگرش افکار عمومی غرب	نامناسب (ناسازگار با مبانی فقهی و اخلاقی)

۲.۱. الگوی پیشنهادی

مطالعه تطبیقی چهار مدل موفق جهانی (فرانسه، روسیه، چین و رژیم صهیونیستی) نشان داد که موفق‌ترین الگو از منظر کارایی فنی و هم‌خوانی اخلاقی - فقهی، ترکیب دو رویکرد فرانسه و چین است؛ بهره‌گیری از هوش مصنوعی پیشرفته برای تشخیص و خنثی‌سازی عملیات شناختی در کمتر از ۴ ساعت و فیلترینگ هوشمند کنترل‌شده با حفظ حریم داده‌های بومی و تمرکز بر محتوای سازمان‌یافته. این مدل ترکیبی با موفقیت ۸۵ تا ۹۵ درصدی در پیشگیری از کمپین‌های اطلاعات نادرست، قابلیت بومی‌سازی بالایی در ایران دارد و می‌تواند به ابزارهایی مانند «ایران چک» و «سپر شناختی» تبدیل شود، درحالی‌که با اصول اسلامی (قاعده الضرر و نفی سیل) و اصل ۲۴ قانون اساسی (آزادی بیان مشروع) هم‌خوان است.

در مقابل، مدل Hasbara رژیم صهیونیستی هرچند از نظر فنی، پیشرفته (با استفاده از ۵۰۰ influencer و دیپفیک برای تغییر ۲۰ درصدی افکار عمومی غرب) است، به دلیل اتکا به دست‌کاری احساسی، تولید محتوای جعلی و نقض اخلاق رسانه‌ای، قابلیت تطبیق با نظام ارزشی جمهوری اسلامی را ندارد. همچنین مدل روسیه با وجود کارآمدی در شرایط بحرانی (مدیریت ۷۰ درصدی Perception در جنگ اوکراین از طریق RT)، به دلیل رویکرد انحصاری، سانسور گسترده و محدودیت آزادی مشروع، با اصول حقوقی ایران (مانند اصل ۱۷۵ قانون اساسی در خصوص استقلال رسانه ملی) ناسازگار است. بنابراین پیشنهاد اصلی، بومی‌سازی مدل فرانسه - چین با تأکید بر شفافیت قضایی و نظارت فقهی است.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران به صورت مرحله‌ای و هوشمند، الگوی ترکیبی بومی حکمرانی شناختی را بر پایه چهار محور زیر پیاده‌سازی کند:

۱) ایجاد سپر شناختی ایران؛ تأسیس سامانه ملی تشخیص و هشدار عملیات شناختی مبتنی بر هوش مصنوعی با الهام از پروژه Viginum تحت نظارت ANSSI فرانسه (۲۰۲۳). این سامانه باید توانایی شناسایی الگوهای انتشار هماهنگ محتوا، شایعه‌سازی الگوریتمی و کمپین‌های هماهنگ رسانه‌ای را داشته باشد.

۲) توسعه فیلتر هوشمند بومی؛ پیاده‌سازی سامانه کنترل داده و محتوای دیجیتال مشابه مدل چینی Great Firewall، اما با رعایت اصول فقهی و قانونی حریم خصوصی و شفافیت نظارتی و پاسخگویی عمومی؛

۳) الزام پلتفرم‌های خارجی به بومی‌سازی داده؛ تدوین مقررات الزام‌آور برای ذخیره داده کاربران ایرانی در سرورهای داخلی مشابه بند ۴۸ مقررات کلی حفاظت از داده اتحادیه اروپا با هدف صیانت از داده‌های شناختی ملی؛

۴) تشکیل واحد ملی پاسخ سریع رسانه‌ای؛ نهاد دائمی با مأموریت واکنش فوری (در کمتر از دو ساعت) به محتوای جعلی، انتشار ضد روایت‌های معتبر و اطلاع‌رسانی هماهنگ براساس مدل Rapid Response Unit در ساختار ANSSI فرانسه.

این الگوی ترکیبی، ترکیب هوشمند فناوری تشخیص ۲، کنترل اخلاقی ۳، حاکمیت داده ۴ و واکنش سریع ۵ است. اجرای مرحله‌ای آن می‌تواند در افق ۱۴۱۰، تاب‌آوری شناختی جامعه ایرانی را تا ۴۰ درصد افزایش دهد و ایران را به الگوی منطقه‌ای در حکمرانی شناختی اسلامی تبدیل کند.

1. General Data Protection Regulation.
2. Detection.
3. Ethical Filtering.
4. Data Sovereignty.
5. Rapid Response.

۳. جمع‌بندی

تحلیل وضعیت موجود در ایران نشان داد که نظام حکمرانی شناختی کشور همچنان در مرحله واکنشی قرار دارد، درحالی که تهدیدات شناختی دشمن - از کمپین‌های اطلاعات نادرست سازمان‌یافته با هوش مصنوعی تا عملیات مدیریت ادراک در پلتفرم‌های خارجی - به مرحله پیشگیرانه و تهاجمی ارتقا یافته‌اند. خلأهای قانونی مانند عدم جرم‌انگاری دیپ‌فیک در قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸، نارسایی‌های نهادی (موازی‌کاری میان شورای عالی فضای مجازی و وزارت ارشاد با میانگین تأخیر ۴۸ ساعته در حذف محتوا) و ضعف‌های عملیاتی (سواد رسانه‌ای ۳۵ درصدی و نبود ابزار بومی تشخیص ربات‌ها) همگی حاکی از شکاف‌های ساختاری است که تاب‌آوری ادراکی جامعه را به شدت کاهش داده و زمینه را برای تضعیف انسجام ملی در بحران‌هایی مانند اغتشاشات ۱۴۰۱ فراهم کرده است. این وضعیت، ضرورت گذار فوری از رویکرد موردی به حکمرانی پیش‌دستانه شناختی را برجسته می‌سازد.

مطالعه تطبیقی چهار مدل موفق جهانی نیز تأکید کرد که مدل ترکیبی فرانسه - چین (تشخیص سریع با هوش مصنوعی Viginum در کمتر از ۴ ساعت + فیلترینگ هوشمند کنترل‌شده با حفظ حریم داده بومی در Great Firewall) بهترین الگو برای ایران است، با نرخ موفقیت ۸۵-۹۵ درصدی در خنثی‌سازی کمپین‌های روسی و غربی. این مدل در مقایسه با Hasbara رژیم صهیونیستی (نامناسب به دلیل دست‌کاری احساسی و نقض اخلاق اسلامی) و رویکرد انحصاری روسیه (ناسازگار با آزادی مشروع رسانه در اصل ۱۷۵ قانون اساسی)، قابلیت بومی‌سازی بالایی دارد، مشروط بر تطبیق کامل با مبانی فقهی (قاعده الضرر برای دفع ضرر محتمل، نفی سبیل برای جلوگیری از سلطه ادراکی بیگانگان) و سیاست‌های راهبردی رهبری معظم انقلاب. خروجی این فصل، بسته پیشنهادی سیاست‌گذاری شامل ایجاد شورای عالی مدیریت افکار عمومی، تصویب لایحه جامع تا پایان ۱۴۰۵ و توسعه ابزارهای بومی مانند «ایران‌چک» است که در فصل بعدی به چارچوب حقوقی - تقنینی عملیاتی تبدیل خواهد شد.

فصل چهارم) طراحی چارچوب پیشنهادی برای حکمرانی شناختی

تحولات دو دهه اخیر در عرصه فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی، موجب شکل‌گیری نوعی نبرد نوین شده است که در آن میدان اصلی، نه جغرافیای فیزیکی بلکه ذهن و ادراک انسان‌هاست. این پدیده که در ادبیات امنیتی غرب با عنوان جنگ شناختی شناخته می‌شود، از سال ۲۰۱۸ به‌طور رسمی وارد راهبردهای ناتو شد و در گزارش سال ۲۰۲۵ مرکز تعالی و ارتباطات استراتژیک ناتو^۱ به‌عنوان «پیچیده‌ترین شکل نبرد نرم» معرفی گردید (NATO StratCom, 2025, 17). در چنین شرایطی، جوامعی موفق خواهند بود که بتوانند در کنار ابزارهای نظامی و سایبری، ظرفیت‌های حقوقی و فرهنگی و سیاستی خود را برای دفاع شناختی نهادینه کنند.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با موقعیت ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک ویژه، در سال‌های اخیر در معرض عملیات گسترده ادراکی از سوی بازیگران خارجی قرار گرفته است. بررسی‌های وزارت اطلاعات (۱۴۰۲) و شورای عالی فضای مجازی (۱۴۰۳) نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از کمپین‌های ضدایرانی در فضای مجازی نه از مسیر نفوذ سایبری بلکه از طریق مهندسی روایت‌ها و تصویرسازی‌های انحرافی صورت گرفته است. بر همین اساس طراحی چارچوبی حقوقی - سیاستی برای مدیریت افکار عمومی و خنثی‌سازی ادراک‌سازی دشمن، ضرورتی راهبردی در حوزه امنیت ملی محسوب می‌شود.

در فصل‌های پیشین، بنیان نظری این چارچوب در سه سطح شناختی - فرهنگی، نهادی - حقوقی و ارزشی - فقهی تبیین گردید و مدل مفهومی «سپر شناختی اسلامی» به‌عنوان رویکرد بومی مقابله با جنگ شناختی معرفی شد. اکنون در این فصل بر مبنای همان مبانی نظری و یافته‌های حاصل از تحلیل تطبیقی (مدل ترکیبی فرانسه - چین)، چارچوب اجرایی و تقنینی این مدل طراحی می‌شود.

به‌طور خلاصه اهداف اصلی این فصل عبارتند از: ارائه ساختار حقوقی لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی و تشریح مواد کلیدی آن؛ طراحی نظام نهادی و ساختار مدیریتی برای اجرای لایحه؛ و ترسیم برنامه پنج‌ساله برای نهادینه‌سازی «سپر شناختی اسلامی» در ساختار حکمرانی کشور. در این فصل ابتدا محتوای لایحه پیشنهادی تبیین می‌شود، سپس نهادهای پشتیبان اجرای آن (شورای عالی مدیریت افکار عمومی و مرکز ملی تشخیص عملیات شناختی) معرفی می‌شوند و در پایان، جمع‌بندی راهبردی از ظرفیت‌های اجرایی و اثرات سیاستی مدل ارائه خواهد شد.

1. NATO StratCom Centre of Excellence.

۱. چارچوب مفهومی مدل سپر شناختی اسلامی

مدل «سپر شناختی اسلامی» بر سه رکن اصلی استوار است که پیوندی میان دانش نوین جنگ شناختی و مبانی معرفتی اسلام برقرار می‌کند:

- **سطح شناختی - فرهنگی:** بازتولید روایت ملی، ارتقای سواد رسانه‌ای، تقویت مهارت‌های تحلیل محتوا و توانمندسازی افکار عمومی برای تشخیص واقعیت از جعل؛
- **سطح نهادی - حقوقی:** طراحی ساختار تنظیم‌گری هوشمند و مشارکتی، اصلاح قوانین موجود، و تعریف سازوکار هماهنگ میان نهادهای رسانه‌ای و فرهنگی و امنیتی؛
- **سطح ارزشی - فقهی:** مشروعیت‌بخشی دینی به اقدامات دفاع شناختی بر مبنای اصولی مانند قاعده دفع ضرر محتمل، نفی سیل و لزوم صیانت از کیان امت اسلامی در برابر تهاجم فرهنگی و ادراکی.

این سه سطح در قالب «مدل سه لایه حکمرانی شناختی» با الهام از تجربیات موفق بین‌المللی (ANSSI, 2023; RAND, 2024; UNESCO, 2025) و انطباق با نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران طراحی شده‌اند.

۲. پیشنهاد های تقنینی: لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی

بر اساس یافته‌های فقهی، حقوقی و سیاستی، تدوین یک لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی ضروری است تا چارچوب قانونی مشخصی برای مدیریت بحران‌های ادراکی و مقابله با عملیات شناختی دشمن فراهم شود.

■ در نخستین گام، این لایحه باید مفاهیم کلیدی مانند «جنگ شناختی»، «ادراک‌سازی سازمان‌یافته» و «کمپین اطلاعات گمراه‌کننده» را تعریف کند تا مرز دقیق میان فعالیت رسانه‌ای مشروع و عملیات خصمانه روشن گردد. این اقدام بر پایه قاعده فقهی «الضرر» و اصل جلوگیری از زیان جمعی و همچنین در انطباق با تعاریف راهبردی ناتو در گزارش سال ۲۰۲۵ انجام می‌شود.

■ در ادامه، تولید و انتشار محتوای جعلی یا دیپ‌فیک علیه امنیت ملی باید به‌عنوان تخلف جدی رسانه‌ای شناخته شود. با رعایت اصول تناسب مجازات و اصل «حبس‌زدایی»، مجازات این عمل در قالب حبس کوتاه‌مدت (تا یک سال) و یا بلندمدت (تا ۵ سال)، جزای نقدی یا محرومیت موقت از فعالیت رسانه‌ای پیشنهاد می‌شود. این حکم مستند به نهی از کذب در قرآن کریم (نور: ۱۵) و احادیث نبوی درباره حرمت کذب است: «إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّهُ مِنَ الْفُجُورِ وَإِنَّهُمَا فِي النَّارِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۸۸).

■ سوم، الزام پلتفرم‌های خارجی به ذخیره داده کاربران ایرانی در سرورهای داخلی و حذف محتوای جعلی ظرف حداکثر دو ساعت، از مهم‌ترین ارکان لایحه است. این اقدام بر مبنای آیه «نفی سبیل» (نساء: ۱۴۱) و مقررات اتحادیه اروپا در چارچوب (GDPR (EU, 2022) طراحی شده و به دولت اجازه می‌دهد تا با همکاری مجلس، سازوکار الزام‌آور همکاری با شرکت‌های فناوری خارجی را تدوین کند.

■ چهارم، لایحه باید تشکیل واحد ملی تشخیص عملیات شناختی بر پایه هوش مصنوعی در قوه قضائیه را مقرر نماید. این واحد با الگوبرداری از پروژه Viginum فرانسه (ANSSI, 2023)، مأمور شناسایی شبکه‌های انتشار هماهنگ محتوا، کشف کمپین‌های ادراکی سازمان‌یافته و ارائه گزارش فصلی به کمیسیون فرهنگی مجلس خواهد بود.

■ در نهایت برای تضمین حقوق فردی و اجتماعی، بخش حمایتی لایحه باید به «صیانت از حقوق شهروندان در برابر دست‌کاری ادراکی و تبلیغات الگوریتمی» اختصاص یابد. این بخش مبتنی بر منشور حقوق شهروندی در فضای مجازی (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶) می‌باشد و رعایت حریم خصوصی و شفافیت تصمیم‌گیری‌های الگوریتمی را الزامی می‌کند.

۳. پیشنهاد های نهادی

برای اجرای کارآمد لایحه، دو نهاد کلیدی باید تأسیس یا تقویت شوند:

۳.۱. شورای عالی مدیریت افکار عمومی

این شورا زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت می‌کند و رئیس‌جمهور ریاست آن را برعهده دارد. اعضای شورا شامل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان صداوسیما، فرمانده قرارگاه سایبری سپاه و سه فقیه متخصص در فقه رسانه و جنگ نرم و نیز سه استاد دانشگاه متخصص در حوزه حقوقی و رسانه‌ای هستند. وظایف شورا عبارت است از:

- رصد و تحلیل روزانه تهدیدات شناختی و شناسایی روندهای عملیات روانی دشمن؛
- هماهنگی میان دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و تدوین روایت ملی مشترک؛
- نظارت بر عملکرد پلتفرم‌ها و انتشار گزارش‌های فصلی برای مجلس شورای اسلامی.
- الگوی ساختاری شورا بر ترکیب دو تجربه موفق یعنی (French Response (Viginum و شورای عالی فضای مجازی ایران مبتنی است.

۳.۲. مرکز ملی تشخیص و تحلیل عملیات شناختی («ایران چک»)

این مرکز مسئولیت شناسایی، تحلیل و خنثی‌سازی محتوای جعلی، دیپ‌فیک و شبکه‌های رباتی را دارد. فناوری اصلی آن، سامانه هوش مصنوعی بومی موسوم به «شکارچی روایت» است که با دقت تشخیص بالا کار می‌کند و می‌تواند با مشارکت دانشگاه‌های شاخص از جمله صنعتی شریف، دانشگاه تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع) و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه یابد.

۴. مسیر گذار به حکمرانی شناختی پیش‌دستانه

طراحی چارچوب حقوقی - سیاستی حکمرانی شناختی جمهوری اسلامی ایران نه صرفاً پاسخی به تهدیدات ادراکی بیرونی، بلکه گامی در جهت بازآفرینی توان نرم نظام اسلامی در عرصه رقابت‌های جهانی است. در واقع این چارچوب با ادغام مبانی معرفتی اسلام، ظرفیت‌های فناورانه داخلی و تجارب موفق جهانی، الگویی بومی برای مدیریت ادراکات عمومی در عصر «جنگ روایت‌ها» ارائه می‌دهد؛ الگویی که هدف نهایی آن انتقال از وضعیت تدافعی به حکمرانی شناختی پیش‌دستانه و هوشمند است.

از منظر فلسفه حکمرانی، مدل «سپر شناختی اسلامی» می‌کوشد تا میان سه رکن اساسی یعنی امنیت ادراکی، مشروعیت فقهی و کارآمدی نهادی پیوند برقرار کند. این پیوند به‌ویژه در شرایطی که عملیات شناختی دشمن بر پایه دست‌کاری احساسی، تحریف روایات تاریخی و تحریک گسل‌های اجتماعی طراحی می‌شود، اهمیتی دوچندان دارد. در چنین شرایطی، حفظ انسجام شناختی جامعه و بازتولید روایت ملی، به‌عنوان خط مقدم دفاع نرم جمهوری اسلامی تعریف می‌شود (UNESCO, 2025; RAND, 2024).

همان‌گونه که اشاره شد، چارچوب پیشنهادی در این فصل سه سطح مکمل دارد:

الف) سطح تقنینی: با تدوین لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی، جمهوری اسلامی می‌تواند نخستین نظام حقوقی صریح در خاورمیانه را برای شناسایی و جرم‌انگاری عملیات ادراکی سازمان‌یافته ایجاد کند. این لایحه نه به‌عنوان ابزار محدودسازی آزادی بیان، بلکه به‌عنوان سپری قانونی برای صیانت از حقیقت و سلامت ذهنی جامعه طراحی می‌شود. در آن، تعاریف دقیق از مفاهیمی چون «ادراک‌سازی»، «اطلاعات گمراه‌کننده» و «عملیات شناختی سازمان‌یافته» ارائه می‌گردد تا امکان استناد قضایی و تنظیم‌گری رسانه‌ای فراهم شود. این بخش همچنین با استناد به اصل فقهی نفی سیل و قاعده الضرر، مبنای شرعی برای جلوگیری از سلطه الگوریتمی بیگانگان بر فضای ذهنی جامعه را فراهم می‌آورد.

ب) سطح نهادی: با ایجاد شورای عالی مدیریت افکار عمومی و مرکز ملی تشخیص عملیات شناختی (ایران‌چک)، ساختار حاکمیتی دفاع شناختی کشور شکل می‌گیرد. شورای عالی مدیریت افکار عمومی با حضور عالی‌ترین مقامات فرهنگی، رسانه‌ای و امنیتی، مسئول سیاست‌گذاری کلان و هماهنگی روایت‌ها و نظارت بر نحوه اطلاع‌رسانی در بحران‌هاست. در مقابل، مرکز ایران‌چک نقش بازوی اجرایی و فناورانه را ایفا می‌کند و از طریق هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، جریان‌های ادراکی مشکوک را رصد و تحلیل می‌نماید. این تفکیک نقش میان سیاست‌گذاری و اجرا و نظارت با الگوی OECD در حکمرانی داده و نیز مدل Viginum فرانسه هم‌خوانی دارد.

ج) **سطح اجرایی - اجتماعی:** اجرای موفق لایحه و فعالیت نهادهای جدید، نیازمند مشارکت فعال دانشگاه‌ها، مراکز علمی، شرکت‌های دانش‌بنیان و نهادهای فرهنگی است. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی ملی در حوزه سواد رسانه‌ای و سواد شناختی در قالب واحدهای درسی و کمپین‌های عمومی طراحی شود تا آگاهی عمومی نسبت به تهدیدات ادراکی افزایش یابد. مطابق با یافته‌های شورای عالی فضای مجازی (۱۴۰۳)، افزایش هر ده درصدی سواد رسانه‌ای می‌تواند نرخ پذیرش اخبار جعلی را تا سی درصد کاهش دهد. بنابراین بُعد اجتماعی این مدل، مکمل بُعد تقنینی و نهادی آن است.

از منظر تقنینی، اجرای این چارچوب مستلزم همکاری سه قوه است:

• **قوه مقننه** از طریق تصویب لایحه و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی؛

• **قوه مجریه** از طریق نهادسازی، بودجه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های فناورانه؛

• **قوه قضائیه** از طریق تشکیل دادسرای ویژه جرایم شناختی و واحد تشخیص هوش مصنوعی برای

رسیدگی تخصصی به پرونده‌های مرتبط.

در سطح سیاست‌گذاری کلان، مجلس شورای اسلامی می‌تواند با ایجاد کمیته دائمی «رصد جنگ شناختی و حکمرانی رسانه‌ای»، نقش نظارتی خود را در این حوزه نهادینه کند. چنین ساختاری، مشابه «کمیته دائمی امنیت دیجیتال و داده» در پارلمان فرانسه (۲۰۱۹) یا «کمیسیون بررسی نفوذ اطلاعاتی» در آلمان (۲۰۲۲) است و می‌تواند تداوم پشتیبانی سیاستی از این طرح را تضمین نماید.

از نظر پیامدهای کلان، پیش‌بینی می‌شود اجرای کامل این مدل در بازه زمانی ۱۴۰۴ تا ۱۴۱۰، سه دستاورد بنیادین به همراه داشته باشد:

۱) افزایش تاب‌آوری شناختی جامعه از طریق افزایش سرعت واکنش به محتوای جعلی و کاهش

نرخ انتشار شایعات؛

۲) کاهش محسوس وابستگی داده‌ای به پلتفرم‌های خارجی از رهگذر الزام به ذخیره‌سازی داخلی؛

۳) تقویت مشروعیت نرم و انسجام ملی با بازسازی روایت اسلامی - ایرانی در فضای رسانه‌ای

جهانی.

در افق بلندمدت (۱۴۱۰ به بعد)، این چارچوب می‌تواند مبنای توسعه «پیمان همکاری شناختی جهان اسلام» قرار گیرد که هدف آن تبادل داده‌های تحلیلی، همکاری در زمینه مقابله با عملیات شناختی و ایجاد شبکه رسانه‌ای مشترک میان کشورهای محور مقاومت است. به بیان دیگر، جمع‌بندی این فصل نشان می‌دهد که سپر شناختی اسلامی صرفاً یک طرح فناورانه یا امنیتی نیست، بلکه نظامی جامع برای حکمرانی ادراکی است؛ نظامی که بر سه اصل «فقه حکمرانی»، «تنظیم‌گری مشارکتی» و «فناوری هوشمند» استوار است. تحقق این نظام می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را از کشوری آسیب‌پذیر در برابر جنگ روایت‌ها، به قدرتی پیشرو در مهندسی ادراک و مدیریت افکار عمومی در سطح منطقه تبدیل نماید.

فصل پنجم) ارزیابی مدل پیشنهادی «سپر شناختی اسلامی» و سناریوهای آینده

هدف این فصل، آزمون میدانی و سیاست‌محور مدل «سپر شناختی اسلامی» معرفی شده در فصل چهارم است. ارزیابی بر سه محور انجام می‌شود: اول شبیه‌سازی رفتار شبکه‌های اطلاعاتی در یک بحران واقعی (اغتشاشات ۱۴۰۱) برای سنجش کارایی ابزارهای تشخیص و پاسخ سریع؛ دوم تحلیل نهادی و حقوقی قابلیت اجرا و انسجام مدل؛ سوم طراحی سناریوهای آینده تا افق ۱۴۱۰ و پیشنهاد برنامه پژوهشی برای تکمیل چرخه سیاست‌گذاری. روش‌شناسی ارزیابی بر پایه شبیه‌سازی مبتنی بر داده‌های میدانی، تحلیل تطبیقی مستندات بین‌المللی و معیارهای شاخص‌محور (KPI) صورت گرفته است. مبنای مفهومی تحلیل، تجربه‌های کاربردی ناتو در حوزه جنگ شناختی و گزارش‌های آژانس‌های ملی مقابله با نفوذ اطلاعاتی است که نشان می‌دهد ترکیب فناوری تشخیص، هماهنگی نهادی و سواد رسانه‌ای جامعه، سه عنصر کلیدی تاب‌آوری شناختی‌اند (NATO, 2025, 17).^۱

۱. روش ارزیابی و شبیه‌سازی

به‌منظور سنجش اثربخشی مدل، از روش «شبیه‌سازی مبتنی بر داده»^۲ استفاده شد. داده‌ها از گزارش رسمی شورای عالی فضای مجازی درباره اغتشاشات ۱۴۰۱، تحلیل‌های وزارت اطلاعات (۱۴۰۲) و رصد شبکه‌های اجتماعی گردآوری شدند. مدل انتشار اطلاعات در نرم‌افزار AnyLogic بازسازی شد تا انتشار پیام‌های جعلی، نقش حساب‌های رباتی و واکنش سامانه‌های تشخیص و حذف محتوا تحلیل شود (حسینی و رجیبان، ۱۴۰۲، ۵۰). شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPI) شامل زمان واکنش به محتوای جعلی، دقت تشخیص محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی (deepfake)، نرخ گسترش شایعه و شاخص ترکیبی تاب‌آوری شناختی بودند (NATO StratCom, 2025, 33).

1. <https://www.act.nato.int/activities/cognitive-warfare>.

2. Data-driven Simulation.

روش تحلیل، مقایسه سناریوی «وضع موجود» با «اجرای کامل مدل سپر شناختی اسلامی» بود. داده‌ها با معیارهای RAND و الگوی Viginum فرانسه (RAND, 2024, 51.ANSSI, 2023) کالیبره شدند. برای آزمون تأثیر مدل پیشنهادی، از رویکرد «ارزیابی سیاست مبتنی بر شبیه‌سازی» استفاده شد. خلاصه روش به شرح زیر است:

- داده‌ها؛ ورودی‌های شبیه‌سازی شامل گزارش‌های رسمی مرتبط با اغتشاشات ۱۴۰۱ (گزارش‌های رسانه‌ای داخلی، تحلیل‌های مرکز ملی فضای مجازی و آمارهای اعلام‌شده از نهادهای امنیتی) و مجموعه‌ای از نمونه‌های محتوایی منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی در دوره بحران بود. برای استناد و بازتولیدپذیری، نقاط داده کلیدی با منابع دولتی و پژوهش‌های منتشرشده تطبیق گردید.
- ابزار شبیه‌سازی؛ مدل دینامیک شبکه‌ای در محیط AnyLogic پیاده‌سازی شد تا انتشار پیام، نقش حساب‌های خودکار (bot farms) و اثر مداخلات تشخیص/حذف محتوا بر پارامترهای اعتماد و انتشار شایعه را بازتولید کند. سناریوی پایه (بدون مداخله ساختاری) با سناریوی مداخله‌ای (اجرای کامل «سپر شناختی اسلامی» شامل ایران‌چک، واحد پاسخ سریع و چارچوب قانونی) مقایسه شد.
- شاخص‌های اندازه‌گیری؛ زمان متوسط حذف محتوای جعلی، دقت تشخیص deepfake، سهم محتوای جعلی در ترافیک اطلاع‌رسانی، سطح سواد رسانه‌ای مؤثر (قابل اندازه‌گیری از طریق پیمایش فرضی) و شاخص تاب‌آوری شناختی ترکیبی که از وزن‌دهی به چهار زیرشاخص تشکیل شده (اعتماد نهادی، توان تشخیص، انسجام روایت، سرعت پاسخ). معیارها بر پایه چارچوب‌های OECD و NATO StratCom انتخاب شدند.^۱

۲. نتایج شبیه‌سازی و تحلیل کمی

نتایج مدل نشان داد اجرای طرح «سپر شناختی اسلامی» تأثیر قابل توجهی بر کنترل عملیات شناختی دارد:

الف) کاهش زمان حذف محتوای جعلی: در وضعیت موجود، میانگین زمان واکنش حدود ۴۸ ساعت بود، در حالی که در مدل پیشنهادی با تشکیل واحد واکنش سریع و الزام پلتفرم‌ها به حذف فوری محتوا، این زمان به حدود دو ساعت کاهش یافت (ANSSI, 2023, 9). این میزان تقریباً معادل استانداردهای اتحادیه اروپا است و نشان‌دهنده افزایش ۹۵ درصدی کارایی واکنش است.

ب) افزایش دقت تشخیص: دیپ‌فیک در سناریوی پایه، دقت تشخیص محتواهای جعلی حدود ۳۵ درصد بود. با راه‌اندازی مرکز ملی تشخیص (ایران‌چک) و استفاده از الگوریتم‌های یادگیری عمیق بومی، دقت تا ۷۰ درصد افزایش یافت (مرکز استراتژی و تحول هوش مصنوعی شریف، ۱۴۰۳، ۵۸).

۱. تذکر متدولوژیک: شبیه‌سازی به منظور تخمین کمی اثربخشی طراحی شد، نه به‌عنوان پیش‌بینی قطعی؛ نتایج باید در چارچوب عدم قطعیت 1 مدل‌سازی و کیفیت داده‌ها تفسیر شوند.

ج) افزایش سواد رسانه‌ای عمومی: اجرای آموزش طرح چند واحد (۲ تا ۴ واحد) دروس عمومی اجباری سواد رسانه‌ای در دانشگاه‌ها و مدارس موجب ارتقای سطح آگاهی تا دوبرابر شد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۳، ۱۱۲).

د) افزایش انسجام روایت ملی: تشکیل شورای عالی مدیریت افکار عمومی و یکپارچگی اطلاع‌رسانی میان نهادها، انسجام روایی جامعه را از ۴۵ به ۸۵ درصد رساند (مرکز ملی فضای مجازی، ۱۴۰۴، ۳۲).

نتیجه نهایی شبیه‌سازی نشان داد که اجرای کامل مدل تا پایان ۱۴۰۵ می‌تواند تا بیش از ۵۰ درصد از خسارت شناختی ناشی از عملیات رسانه‌ای خصمانه بکاهد و میزان انتشار محتوای جعلی را به نصف کاهش دهد.

۳. تحلیل نهادی و حقوقی قابلیت اجرا

تحلیل تطبیقی و میدانی نشان می‌دهد که موفقیت مدل، وابسته به سه پیش شرط کلیدی است:

الف) تصویب لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی: این لایحه، مبنای قانونی الزام پلتفرم‌ها و همکاری داده‌ای و جرم‌انگاری عملیات شناختی است. بدون تصویب آن، امکان اجرای مدل وجود ندارد. تجربه اتحادیه اروپا در «قانون خدمات دیجیتال» نشان داد که شفافیت قانونی، عامل افزایش مسئولیت‌پذیری شرکت‌هاست.

ب) هماهنگی بین نهادها: یکی از ضعف‌های ساختاری ایران، موازی‌کاری نهادی در مدیریت افکار عمومی است. ایجاد شورای عالی مدیریت افکار عمومی (با الگوی Viginum فرانسه) و تفکیک کارکرد هماهنگی از اجرا، می‌تواند ظرفیت تصمیم‌سازی را ارتقا دهد (European Parliament, 2025).

ج) رعایت موازین حقوق شهروندی و اخلاق اسلامی: هرگونه محدودسازی محتوا باید با اصول فقهی و اخلاقی منطبق باشد. قاعده «نفی سیل» (نساء: ۱۴۱) و اصل «عدم اضرار» مبنای مشروعیت اقدامات هستند، اما لازم است هیئت نظارت اخلاقی و حقوقی مستقلی تشکیل شود تا از تجاوز به حقوق شهروندان جلوگیری کند.

۴. سناریوهای پیش‌رو در افق ۱۴۱۰

بر پایه تحلیل حساسیت مدل «سپر شناختی اسلامی» و با استفاده از روش برنامه‌ریزی سناریویی ترکیبی^۱ که توسط Schoemaker (2020) و وزارت دفاع فرانسه (ANSSI, 2023, 14) در تحلیل‌های امنیت ادراکی به کار رفته، سه مسیر تحول برای آینده حکمرانی شناختی ایران تا افق ۱۴۱۰ ترسیم شده است. متغیرهای اصلی سناریو عبارتند از:

- سطح تعهد حاکمیت به تصویب لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی؛

- میزان سرمایه‌گذاری در فناوری‌های هوش مصنوعی بومی و زیرساخت‌های داده؛
- گستره همکاری میان نهادهای حاکمیتی، علمی و رسانه‌ای؛
- سطح مشارکت عمومی و سواد شناختی جامعه.

بر مبنای این عوامل، سه سناریوی متمایز و محتمل به شرح ذیل قابل تصور و تحقیق است:

۴,۱. سناریوی خوش‌بینانه: حکمرانی شناختی یکپارچه و فعال

این سناریو زمانی تحقق می‌یابد که لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی در سال ۱۴۰۵ تصویب شود، سامانه ملی «ایران چک» با الگوریتم‌های هوش مصنوعی بومی^۱ به بهره‌برداری برسد، و برنامه ملی آموزش سواد شناختی در دانشگاه‌ها و مدارس اجرا شود. در این حالت، حکمرانی شناختی به سطحی از بلوغ نهادی می‌رسد که سیاست‌گذاری و اجرا و نظارت در سه سطح منسجم عمل می‌کنند.

براساس مدل شبیه‌سازی (RAND (2024, 66) و یافته‌های مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۳، ۴۵)، اجرای این سناریو می‌تواند منجر به افزایش تاب‌آوری شناختی ملی به بیش از ۸۵ درصد شود. به‌طور خاص:

- میانگین زمان حذف محتوای جعلی به کمتر از دو ساعت می‌رسد.
- دقت تشخیص دیپ‌فیک‌ها تا ۹۵ درصد ارتقا می‌یابد.
- سطح اعتماد عمومی به رسانه‌های داخلی از ۴۰ به ۷۵ درصد افزایش پیدا می‌کند (مرکز ملی فضای مجازی، ۱۴۰۴، ۵۸).

از منظر سیاست خارجی، این موفقیت، ایران را به الگوی منطقه‌ای حکمرانی ادراکی در جهان اسلام تبدیل خواهد کرد؛ مشابه نقشی که فرانسه از طریق Viginum در اتحادیه اروپا ایفا می‌کند (ANSSI, 2023, 20). در این سناریو ایران می‌تواند «پیمان همکاری شناختی جهان اسلام» را پایه‌گذاری کند تا در برابر جنگ‌های ادراکی فراملی، همکاری اطلاعاتی و محتوایی میان کشورهای اسلامی شکل گیرد (شیروانی، ۱۴۰۲).

۴,۲. سناریوی واقع‌بینانه: پیشرفت تدریجی و اصلاح‌محور

در این حالت، تصویب لایحه تا سال ۱۴۰۶ به تأخیر می‌افتد و اجرای کامل زیرساخت‌های هوش مصنوعی تا سال ۱۴۰۷ تحقق می‌یابد. با وجود برخی ناهماهنگی‌های نهادی، روند توسعه حکمرانی شناختی ادامه می‌یابد اما با سرعتی کمتر. در همین ارتباط، مطابق یافته‌های پژوهش دانشگاه امام صادق (ع) در حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای در چنین شرایطی تاب‌آوری شناختی کشور تا سال ۱۴۱۰ حدود ۵۵ تا ۶۵ درصد خواهد بود. شاخص سواد رسانه‌ای عمومی در این سناریو به حدود ۶۰ درصد می‌رسد و بخش خصوصی نیز در تولید ابزارهای پایش شناختی مشارکت می‌کند.

از منظر سیاستی، این سناریو محتمل‌ترین مسیر برای ایران در میان‌مدت است، زیرا با موانع نهادی و بودجه‌ای سازگارتر است. براساس گزارش شورای عالی فضای مجازی (۱۴۰۴، ۳۲)، همکاری بین‌نهادی در ایران هنوز به‌طور کامل نهادینه نشده و اجرای تدریجی برنامه پنج‌ساله (۱۴۰۴-۱۴۰۹) واقع‌گرایانه‌تر است. در این حالت، خطر نفوذ شناختی دشمن کاهش می‌یابد اما از بین نمی‌رود و برخی بحران‌های ادراکی مقطعی همچنان قابل انتظار خواهند بود.

۴.۳. سناریوی بدبینانه: تداوم وضعیت واکنشی و انفعال نهادی

این سناریو در صورت عدم تصویب لایحه و استمرار موازی‌کاری نهادی رخ می‌دهد. در چنین وضعیتی، جنگ شناختی علیه ایران به مرحله فراملی و پیچیده‌تری وارد می‌شود و کشور در وضعیت «واکنش پسینی» باقی می‌ماند. براساس گزارش NATO StratCom (2025, 42) درباره کشورهای فاقد سیاست مقابله شناختی، در غیاب چارچوب قانونی و نظارتی، آسیب‌پذیری ادراکی تا سه برابر افزایش می‌یابد. برای ایران، شبیه‌سازی انجام‌شده نشان می‌دهد که در این سناریو:

- نرخ نفوذ محتوای جعلی تا ۱۲۰ درصد رشد می‌کند.
- تاب‌آوری شناختی جامعه به کمتر از ۴۰ درصد سقوط می‌کند.
- زمان میانگین حذف محتوای مخرب به بیش از ۴۸ ساعت می‌رسد.
- شکاف میان روایت‌های رسمی و مردمی تا ۵۰ درصد گسترش می‌یابد.

از منظر فرهنگی، پیامد این وضعیت، فرسایش اعتماد اجتماعی و افزایش دوقطبی‌های سیاسی و کاهش مشروعیت نرم نظام خواهد بود (حسینی و نیک‌رفتار، ۱۴۰۲، ۹۱). همچنین با تشدید مداخلات رسانه‌های خارجی و گسترش دیپ‌فیک‌های سیاسی، نظام ارتباطی کشور به‌شدت تضعیف می‌شود.

۵. تحلیل مقایسه‌ای سناریوها

تحلیل نهایی نشان می‌دهد که شکاف میان سناریوی خوش‌بینانه و بدبینانه در واقع شکافی میان دو نوع حکمرانی است: از یک‌سو، حکمرانی فعال و هوشمند و یادگیرنده که بر مدیریت ادراک و تقویت تاب‌آوری جامعه تکیه دارد؛ و از سوی دیگر، حکمرانی واکنشی و منفعل که تنها در مواجهه با بحران‌ها دست به اقدام می‌زند. مسیر حرکت ایران در دهه آینده وابسته به نحوه تصمیم‌گیری در سه حوزه تقنین، فناوری و فرهنگ عمومی است.

در سناریوی مطلوب، تصویب لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی تا سال ۱۴۰۵ و راه‌اندازی سامانه ملی «ایران چک» به‌عنوان ستون فقرات دفاع شناختی، موجب هم‌افزایی نهادی میان قوه مجریه، مقننه و قضائیه خواهد شد. تجربه کشورهای موفق مانند فرانسه و کره جنوبی نشان می‌دهد که وجود یک سازوکار قانونی مشخص در زمینه مقابله با اطلاعات گمراه‌کننده، اثربخشی سیاست‌های امنیت نرم را تا بیش از ۷۰ درصد افزایش می‌دهد (ANSSI, 2023: 20). در چنین حالتی، زمان واکنش به محتوای جعلی به کمتر از دو ساعت کاهش می‌یابد، دقت تشخیص محتوای دست‌کاری‌شده به حدود ۹۵ درصد می‌رسد و سطح اعتماد عمومی به رسانه‌های رسمی از ۴۰ به بیش از ۷۵ درصد افزایش پیدا می‌کند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۳: ۴۴).

اما در سناریوی بدبینانه، فقدان قانون جامع و استمرار موازی کاری میان نهادها باعث می‌شود واکنش به بحران‌های ادراکی به شدت کند و پراکنده باشد. در این وضعیت، میانگین زمان شناسایی و حذف محتوای جعلی بیش از دو روز به طول می‌انجامد، نرخ نفوذ روایت‌های دشمن افزایش می‌یابد و تاب‌آوری شناختی جامعه به زیر ۴۰ درصد سقوط می‌کند. (NATO StratCom, 2025, 42) از منظر فرهنگی نیز این وضعیت موجب کاهش انسجام اجتماعی، گسترش بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و تشدید شکاف میان روایت‌های مردمی و رسمی خواهد شد (حسینی و نیک‌رفتار، ۱۴۰۲، ۹۱).

تحلیل حساسیت مدل «سپر شناختی اسلامی» نشان می‌دهد تحقق سناریوی خوش‌بینانه در گرو سه اقدام کلیدی است: نخست، تصویب سریع لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی در مجلس شورای اسلامی برای ایجاد پشتوانه قانونی و پاسخگویی نهادی؛ دوم، سرمایه‌گذاری هدفمند در توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی بومی با تمرکز بر پردازش زبان فارسی و شناسایی محتوای جعلی، که می‌تواند استقلال داده‌ای کشور را تقویت کند (مرکز استراتژی و تحول هوش مصنوعی شریف، ۱۴۰۳، ۴۸) و سوم، نهادینه‌سازی آموزش سواد شناختی و اخلاق رسانه‌ای در سطوح مختلف نظام آموزشی. تجربه کشورهای موفق نشان داده است که افزایش سواد رسانه‌ای عمومی بیش از هر عامل دیگری در کاهش آسیب‌پذیری جامعه نسبت به عملیات شناختی مؤثر است (UNESCO, 2025, 57).

در ارزیابی نهایی، احتمال تحقق سناریوی خوش‌بینانه حدود ۶۰ درصد، سناریوی واقع‌بینانه ۳۵ درصد، و سناریوی بدبینانه کمتر از ۵ درصد برآورد می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۳، ۴۲). در صورت تحقق سناریوی مطلوب، ایران به الگویی پیشرو در حکمرانی شناختی اسلامی تبدیل خواهد شد و می‌تواند مدل بومی خود را در قالب «پیمان همکاری شناختی جهان اسلام» به دیگر کشورهای منطقه صادر کند. این دستاورد علاوه بر تقویت امنیت نرم و انسجام داخلی، قدرت روایت‌سازی جمهوری اسلامی ایران را در فضای بین‌المللی افزایش می‌دهد (یوسفی، ۱۴۰۲، ۳۲).

در مقابل، تحقق سناریوی بدبینانه، کشور را در معرض تهدیدات ادراکی فزاینده و فروپاشی تدریجی روایت ملی قرار خواهد داد. در چنین شرایطی، کنترل افکار عمومی به تدریج از حاکمیت ملی خارج و به پلنفرم‌های خارجی و قدرت‌های رسانه‌ای غربی واگذار می‌شود. در آن صورت، تکرار بحران‌های شناختی مشابه حوادث ۱۴۰۱ اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و جامعه در معرض «فرسایش ادراکی» مزمن قرار می‌گیرد (قائم‌نیا، ۱۴۰۱، ۵۸).

از منظر راهبردی، آینده حکمرانی شناختی در ایران به میزان درک تصمیم‌گیران از اهمیت «ادراک به‌مثابه عرصه قدرت» بستگی دارد. اگر این درک در سطح حاکمیت و دانشگاه و رسانه نهادینه شود، مدل «سپر شناختی اسلامی» نه تنها می‌تواند امنیت ادراکی کشور را تضمین کند، بلکه می‌تواند الگویی از پیوند دین، فناوری و سیاست برای دنیای اسلام ارائه دهد. در غیر این صورت، شکاف ادراکی میان جامعه و نهادهای حاکمیتی تعمیق خواهد یافت و بازسازی اعتماد اجتماعی دشوار خواهد شد.

در جمع‌بندی نهایی، مسیر آینده ایران میان دو قطب روشن قرار دارد؛ یا حرکت به سوی حکمرانی شناختی فعال و داده‌محور و اخلاقی یا تداوم انفعال نهادی و واگذاری میدان به عملیات شناختی دشمن. انتخاب میان این دو مسیر، نه فقط تصمیمی سیاسی، بلکه انتخابی تمدنی است که سرنوشت «روایت ملی» جمهوری اسلامی ایران را تا میانه قرن پانزدهم هجری شمسی تعیین خواهد کرد.

فصل ششم) نتیجه‌گیری نهایی و توصیه‌های سیاستی و تقنینی

تحلیل‌های انجام‌شده در پنج فصل گذشته نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات شناختی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند چارچوبی یکپارچه، بومی و چندسطحی برای حکمرانی شناختی است. این پژوهش با تکیه بر مبانی نظری جنگ شناختی، تحلیل تطبیقی مدل‌های موفق جهانی (به‌ویژه فرانسه و چین) و استنتاج از اصول اسلامی و قانون اساسی نشان داد که ضعف فعلی کشور در سه حوزه اصلی ریشه دارد؛ خلأهای قانونی، پراکندگی نهادی، و ضعف زیرساخت‌های فناورانه و فرهنگی. بر این مبنا مدل پیشنهادی «سپر شناختی اسلامی» طراحی و در قالب لایحه، ساختار نهادی و برنامه پنج‌ساله تبیین شد. در این فصل ضمن مرور یافته‌ها، بر ارائه راهکارهای اجرایی و تقنینی و سیاستی تمرکز می‌شود تا مسیر عملی برای تصمیم‌گیران و قانون‌گذاران ترسیم گردد.

۱. راهکارهای حل مسئله و پاسخ به سؤالات پژوهش

پاسخ به سؤال اصلی

چگونه می‌توان چارچوبی حقوقی - سیاستی برای مقابله با جنگ شناختی در ایران طراحی کرد؟ پاسخ این است که چارچوب حکمرانی شناختی ایران باید بر سه سطح شناختی - فرهنگی، نهادی - حقوقی و ارزشی - فقهی بنا شود. سطح نخست با ارتقای سواد شناختی عمومی و بازتولید روایت ملی سروکار دارد. سطح دوم ناظر به اصلاح ساختارهای تنظیم‌گری و تدوین قوانین جدید است و سطح سوم به مشروعیت‌بخشی دینی و اخلاقی اقدامات دفاعی می‌پردازد. این تلفیق، بنای مدل «سپر شناختی اسلامی» را شکل می‌دهد که هم از نظر فنی و هم از نظر فقهی قابل دفاع است.

پاسخ به سؤال‌های فرعی

الف) خلأهای اصلی نظام تقنین و سیاست‌گذاری در حوزه جنگ شناختی چیست؟ نظام حقوقی ایران در حال حاضر فاقد تعاریف صریح از مفاهیم کلیدی مانند «جنگ شناختی»، «ادراک‌سازی سازمان‌یافته» و «عملیات اطلاعات گمراه‌کننده» است. قوانین موجود (قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و قانون مطبوعات ۱۳۶۴) پاسخگوی تهدیدات مدرن مبتنی بر هوش مصنوعی نیستند. همچنین پراکندگی میان‌نهادهای سیاست‌گذار موجب کندی واکنش و ضعف هماهنگی شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۳، ۴۲).

ب) چه تجربه‌های جهانی‌ای می‌تواند برای ایران قابل بومی‌سازی باشد؟

مطالعه تطبیقی نشان داد که مدل فرانسه (Viginum) و مدل چین (Great Firewall) دو نمونه مکمل از حکمرانی شناختی موفق هستند. فرانسه بر تشخیص سریع محتوا با ابزارهای هوش مصنوعی تمرکز دارد، در حالی که چین بر کنترل هوشمند داده و فیلترینگ مرحله‌ای تأکید می‌کند. ترکیب این دو مدل همراه با اصول اسلامی مانند قاعده «الضرر» و «نفی سبیل» می‌تواند ساختار دفاعی بومی و مشروعی برای ایران فراهم کند.

ج) چه ساختار نهادی و اجرایی برای پیاده‌سازی این چارچوب لازم است؟

ایجاد دو نهاد کلیدی ضروری است: شورای عالی مدیریت افکار عمومی برای هماهنگی سیاست‌ها و پاسخ سریع به تهدیدات شناختی؛ مرکز ملی تشخیص و تحلیل عملیات شناختی (ایران چک) برای شناسایی و ردیابی و مقابله فنی با شبکه‌های ادراکی و کمپین‌های هماهنگ. این ساختار می‌تواند همانند سازمان ANSSI فرانسه، به نهادی فراقوه‌ای تبدیل شود که بازوی علمی و فنی مجلس در رصد تهدیدات ادراکی است.

د) چه شاخص‌هایی می‌توانند میزان موفقیت حکمرانی شناختی را اندازه‌گیری کنند؟

سه شاخص اصلی پیشنهاد می‌شود: تاب‌آوری شناختی ملی، زمان واکنش به محتوای جعلی، و سطح اعتماد عمومی به رسانه‌های رسمی. پایش سالانه این شاخص‌ها توسط مرکز پژوهش‌های مجلس می‌تواند مبنای نظارت مستمر بر اثربخشی سیاست‌ها قرار گیرد.

۲. راهکارهای کلان برای حل مسئله

الف) راهکار حقوقی

- تصویب «لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی» در مجلس شورای اسلامی با هدف جرم‌انگاری عملیات شناختی سازمان‌یافته، الزام پلتفرم‌های خارجی به ذخیره داده در سرور داخلی، و حمایت از حقوق شهروندان در برابر دست‌کاری الگوریتمی؛
- اصلاح مواد قانون جرایم رایانه‌ای و افزودن بندهای مرتبط با تولید محتوای جعلی، دیپ‌فیک و مهندسی ادراک؛

- ایجاد «واحد ملی تشخیص هوش مصنوعی» در قوه قضائیه برای رسیدگی تخصصی به جرایم شناختی.

ب) راهکار نهادی

- تشکیل «شورای عالی مدیریت افکار عمومی» ذیل شورای عالی امنیت ملی با ترکیب نمایندگان قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح و سه متخصص دانشگاهی در حوزه‌های رسانه و امنیت سایبری و فقه رسانه؛
- ایجاد شبکه هم‌افزای دانشگاهی میان دانشگاه‌های شریف، تهران، امام صادق (ع) و حوزه علمیه قم برای توسعه فناوری و نظریه‌پردازی در حوزه جنگ شناختی.

ج) راهکار فناورانه

- توسعه پلتفرم ملی «ایران چک» به عنوان سامانه هوش مصنوعی تشخیص کمپین‌های ادراکی با دقت حداقل ۸۰ درصد؛
- حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در تولید نرم‌افزارهای پایش شناختی، تشخیص شایعه و تحلیل کلان‌داده‌های رسانه‌ای؛
- ایجاد بانک داده ملی شناختی برای ذخیره و تحلیل و تبادل داده‌های رسانه‌ای با رعایت حریم خصوصی.

د) راهکار فرهنگی و آموزشی

- طراحی برنامه ملی «سواد شناختی برای همه» با همکاری وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم برای آموزش تفکر انتقادی و تشخیص اطلاعات جعلی از سطح دبیرستان تا دانشگاه؛
- تدوین راهنمای اخلاق رسانه‌ای و ضوابط محتوایی برای فعالان رسانه‌ای براساس آموزه‌های اسلامی و اصول حرفه‌ای بین‌المللی؛
- حمایت از تولیدات فرهنگی پیش‌دستانه در صداوسیما و شبکه‌های اجتماعی با هدف بازتولید روایت ملی و ارتقای اعتماد عمومی.

الف) خطاب به مجلس شورای اسلامی

- تصویب فوری لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی تا پایان سال ۱۴۰۵ و الزام دولت به تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی ظرف شش ماه پس از آن؛
- ایجاد «کمیسیون ویژه حکمرانی شناختی و رسانه» در مجلس برای نظارت مستمر بر اجرای سیاست‌ها و تصویب بودجه‌های مرتبط؛
- تقویت نقش مرکز پژوهش‌های مجلس در ارزیابی سالانه تاب‌آوری شناختی و انتشار گزارش‌های عمومی جهت ارتقای شفافیت.

ب) خطاب به دولت

- تشکیل کارگروه ملی «پایش شناختی» ذیل وزارت ارتباطات برای شناسایی روندهای عملیات ادراکی؛
- تخصیص بودجه مستقل به توسعه هوش مصنوعی بومی در تشخیص محتوای جعلی و پشتیبانی از شرکت‌های فناور داخلی؛
- تدوین پروتکل همکاری میان دستگاه‌های فرهنگی، امنیتی و رسانه‌ای با هدف وحدت روایت در شرایط بحرانی.

ج) خطاب به شورای عالی فضای مجازی و صداوسیما

- بازنگری در سیاست‌های تولید محتوا و جایگزینی رویکرد واکنشی با راهبرد روایت‌سازی پیش‌دستانه؛
- طراحی نظام امتیازدهی رسانه‌ای برای ارزیابی میزان پایبندی رسانه‌ها به اصول شفافیت، صحت و مسئولیت اجتماعی؛
- راه‌اندازی مرکز داده مشترک برای تحلیل الگوهای انتشار اطلاعات و ارزیابی مخاطب در سطح ملی.

د) خطاب به حوزه‌های علمیه و مراکز علمی

- تأسیس رشته «فقه رسانه و جنگ شناختی» در سطوح عالی حوزه و دانشگاه؛
- تولید ادبیات نظری اسلامی پیرامون مشروعیت دفاع ادراکی، اخلاق هوش مصنوعی و حدود مداخلات شناختی؛
- مشارکت فعال در تدوین «منشور اخلاق رسانه‌ای اسلامی» به‌عنوان سند راهبردی مکمل قانون مطبوعات.

۴. توصیه‌های تقنینی

با توجه به یافته‌های تحقیق و تحلیل ظرفیت‌های تقنینی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از اصلاحات قانونی و مقرراتی برای نهادینه‌سازی دفاع شناختی و ارتقای حکمرانی ادراکی کشور پیشنهاد می‌شود.

(۱) **افزودن فصل مستقل تحت عنوان «جرایم شناختی و اطلاعات گمراه‌کننده» به قانون جرایم رایانه‌ای:** در شرایطی که بخش عمده عملیات شناختی دشمن در بستر فضای مجازی انجام می‌شود، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ فاقد سازوکار شفاف برای شناسایی و برخورد با کمپین‌های سازمان‌یافته دست‌کاری ادراک عمومی است. افزودن فصلی مستقل با تعریف دقیق رفتارهای مجرمانه نظیر تولید و توزیع محتوای جعلی، استفاده از شبکه‌های رباتی و تبلیغات هدفمند فریبدهنده، می‌تواند پایه حقوقی لازم را برای پیگرد منسجم ایجاد کند. پیشنهاد می‌شود مجازات‌ها در قالب حبس کوتاه‌مدت (تا یک سال)، جریمه نقدی و محرومیت موقت از فعالیت رسانه‌ای پیش‌بینی شود تا ضمن حفظ بازدارندگی، از حبس‌گرایی پرهیز شود.

(۲) **تعریف دقیق مفاهیم جدید در قوانین داخلی:** ضروری است مفاهیم کلیدی‌ای چون «دیپ‌فیک»، «ادراک‌سازی سازمان‌یافته»، و «الگوریتم‌های دست‌کاری‌کننده» در متون حقوقی کشور تعریف شوند تا مرز میان فعالیت رسانه‌ای مشروع و عملیات شناختی خصمانه مشخص شود. این اقدام از تفسیرهای موسع یا سلیقه‌ای جلوگیری می‌کند و امکان داوری فنی و قضایی دقیق را فراهم می‌سازد. مبنای این اصلاح می‌تواند گزارش‌های تخصصی شورای عالی فضای مجازی (۱۴۰۴) و مصوبه مرکز ملی افتا (۱۴۰۳) درباره الزامات مقابله با محتوای جعلی باشد.

(۳) **اصلاح قانون مطبوعات با لحاظ رسانه‌های نوین و پلتفرم‌های دیجیتال:** قانون مطبوعات فعلی به دلیل تمرکز بر رسانه‌های چاپی و سنتی، پاسخگوی چالش‌های حکمرانی رسانه‌ای در عصر دیجیتال نیست. پیشنهاد می‌شود با اصلاح این قانون، رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نیز مشمول اصول پاسخگویی، شفافیت و مسئولیت محتوایی شوند. همچنین باید نظام ثبت و نظارت ویژه‌ای برای پلتفرم‌های دارای مخاطب انبوه طراحی شود تا امکان نظارت حقوقی بر الگوریتم‌های توزیع محتوا فراهم گردد (شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۲، ۵۱).

(۴) **تصویب قانون «صیانت از سلامت ادراکی جامعه»:** تدوین قانونی مستقل در حوزه سلامت ادراکی می‌تواند مکمل قوانین کیفری باشد و جنبه پیشگیرانه و حمایتی دفاع شناختی را تقویت کند. این قانون باید به موضوعاتی مانند سواد رسانه‌ای عمومی، حمایت از قربانیان محتوای گمراه‌کننده، و آموزش اخلاق رسانه‌ای پردازد. براساس تجربه کشورهای اروپایی (UNESCO, 2025, 71) و ظرفیت‌های داخلی (قائم‌نی، ۱۴۰۱، ۸۴)، این قانون می‌تواند مشابه قانون سلامت روان، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش اجرا شود.

۵) الزام به ذخیره داده در سرورهای داخلی با رعایت حریم خصوصی: اجرای اصل حاکمیت داده نیازمند اصلاح قوانین مرتبط با تبادل و نگهداری داده‌های کاربران ایرانی است. الزام پلتفرم‌های خارجی به ذخیره‌سازی داده در سرورهای داخلی، مطابق با الگوی اتحادیه اروپا در مقررات GDPR می‌تواند امکان پیگرد حقوقی مؤثر در موارد عملیات شناختی برون‌مرزی را فراهم کند. در عین حال، این الزام باید با رعایت اصول شفافیت و دسترسی محدود قضایی و حفظ حقوق حریم خصوصی همراه باشد تا اعتماد عمومی به نظام داده‌ای کشور تضعیف نشود. در مجموع، این پنج محور تقنینی با هدف ایجاد توازن میان امنیت شناختی و حقوق ارتباطی شهروندان طراحی شده‌اند. تصویب و اجرای آنها می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری چارچوب قانونی پایدار برای دفاع شناختی، تنظیم‌گری هوشمند رسانه‌ای و تضمین سلامت ادراکی جامعه در افق ۱۴۱۰ باشد.

۵. جمع‌بندی پایانی

تحلیل نهایی این پژوهش نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات شناختی، نیازمند گذار از رویکرد واکنشی به حکمرانی فعال و پیش‌دستانه است. یافته‌ها تأیید می‌کند که ریشه ضعف کنونی کشور در سه سطح قابل مشاهده است؛ فقدان چارچوب قانونی مشخص برای جنگ شناختی، پراکندگی نهادی و موازی‌کاری میان دستگاه‌ها، و ضعف زیرساخت‌های فناورانه و فرهنگی در مدیریت افکار عمومی. بر این اساس، مدل «سپر شناختی اسلامی» به‌عنوان چارچوبی سه‌سطحی طراحی شد تا زمینه‌ساز نهادینه‌سازی دفاع شناختی در نظام حکمرانی کشور گردد.

راه حل اصلی در این پژوهش، طراحی و تصویب لایحه جامع مقابله با جنگ شناختی است که با ترکیب اصول فقهی مانند قاعده «الضرر» و «نفی سبیل»، و تجربه‌های موفق جهانی مانند مدل فرانسوی Viginum و سامانه چینی Great Firewall، الگویی بومی و قابل اجرا برای ایران ارائه می‌دهد. در کنار این لایحه، دو نهاد کلیدی شامل «شورای عالی مدیریت افکار عمومی» و «مرکز ملی تشخیص عملیات شناختی (ایران‌چک)» باید ایجاد شوند تا نقش هماهنگی و فنی را برعهده گیرند و پیوند میان مجلس و دولت و نهادهای رسانه‌ای را برقرار کنند.

از منظر سیاست‌گذاری، تمرکز بر سه محور حیاتی ضروری است: نخست، سرمایه‌گذاری در توسعه هوش مصنوعی بومی برای تشخیص و پایش اطلاعات گمراه‌کننده؛ دوم، اجرای برنامه ملی آموزش سواد شناختی و اخلاق رسانه‌ای از مدارس تا دانشگاه‌ها؛ و سوم، ایجاد هماهنگی نهادی میان دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و امنیتی و فرهنگی برای تولید روایت واحد ملی در بحران‌ها.

در بُعد تقنینی، پنج اصلاح بنیادین پیشنهاد می‌شود: ۱) افزودن فصل مستقل «جرایم شناختی و اطلاعات گمراه کننده» به قانون جرایم رایانه‌ای برای جرم‌انگاری شبکه‌های سازمان‌یافته مهندسی ادراک؛ ۲) تعریف حقوقی مفاهیمی مانند «دیپ فیک» و «الگوریتم‌های دست‌کاری کننده» به منظور جلوگیری از تفسیر سلیقه‌ای قوانین؛ ۳) اصلاح قانون مطبوعات و شمول آن بر رسانه‌های دیجیتال با تأکید بر شفافیت و مسئولیت اجتماعی؛ ۴) تصویب قانون «صیانت از سلامت ادراکی جامعه» با رویکرد پیشگیرانه مشابه قانون سلامت روان؛ ۵) الزام پلتفرم‌های خارجی به ذخیره داده در سرورهای داخلی با رعایت حریم خصوصی و شفافیت نظارتی.

در افق ۱۴۱۰، اجرای کامل این پیشنهادها می‌تواند ایران را به یکی از معدود کشورهای دارای نظام منسجم حکمرانی شناختی در منطقه غرب آسیا تبدیل کند؛ نظامی که همسو با ارزش‌های اسلامی، توانایی مقابله فعال با جنگ‌های ادراکی را دارد و از سلامت فکری و انسجام روایی جامعه پاسداری می‌کند. این مسیر، ایران را از «میدان جنگ روایت‌ها» به جایگاه «مدیریت روایت‌ها» منتقل خواهد کرد؛ جایگاهی که در آن قدرت نرم بر پایه حقیقت، عقلانیت و اعتماد اجتماعی استوار است.



الف) فارسی و عربی

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. احمدی، مهدی، (۱۴۰۲)، «الزامات حکمرانی رسانه‌ای در مواجهه با جنگ شناختی دشمن»، فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی ایران، ۱۷(۲)، ۷۵-۹۸.
۳. اسلامی و رحمانی، سیدمحمد مهدی و فاطمه، (۱۴۰۱)، «تحلیل تهدیدات شناختی و رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست پژوهی، ۸(۳)، ۵۵-۸۰.
۴. اکبری، علیرضا، (۱۴۰۰)، «چالش‌های قانون‌گذاری در حوزه فضای مجازی و رسانه‌های نوین»، پژوهشنامه حقوق و سیاست، ۹(۲)، ۱۱-۳۴.
۵. امام خامنه‌ای، سید علی، (۱۴۰۰)، «بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت»، قابل مشاهده در نشانی <https://khl.ink/f/49192>
۶. _____، (۱۴۰۱)، «بیانات در دیدار دانش‌آموزان»، قابل مشاهده در نشانی <https://khl.ink/f/51259>
۷. امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. _____، (۱۴۰۰)، تحریر الوسيله، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. ایزدی، فواد، (۱۴۰۱)، «دیپلماسی رسانه‌ای و جنگ روایت‌ها در سیاست بین‌الملل»، فصلنامه سیاست جهانی، ۱۰(۱)، ۲۵-۵۲.
۱۰. باقری و قنبری، محمدرضا و رضا، (۱۴۰۳)، «تحلیل تطبیقی الگوهای تقنین در حوزه فضای مجازی»؛ مطالعه موردی ایران و اتحادیه اروپا، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۳۰(۱۱۶)، ۷-۳۲.
۱۱. بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ، (۱۴۱۹)، القواعد الفقہیہ، ج ۷، قم: نشر الهادی.
۱۲. تاجیک، محمدرضا، (۱۴۰۲)، «قدرت نرم و نبرد ادراکی در نظام بین‌الملل»، فصلنامه راهبرد فرهنگی، ۱۵(۴)، ۵-۲۶.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، ج ۲۲، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۴. حسینی و نیک‌رفتار، سیدحسن و مهدی، (۱۴۰۲)، «سواد شناختی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ نرم»، مجله مطالعات فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳(۲)، ۹۳-۱۱۸.

۱۵. حسینی، منیره و رجبیان، محمد، (۱۴۰۲)، «شناسایی حساب‌های کاربری جعلی با استفاده از یادگیری ماشین: مطالعه‌ای روی شبکه اجتماعی X (توییتر سابق)»، فصلنامه مدیریت اطلاعات، دوره نهم، شماره ۲، پیاپی ۱۷.

۱۶. خانی و محمدی، حمید و نرگس، (۱۴۰۲)، «نقش هوش مصنوعی در تشخیص اخبار جعلی؛ رویکرد سیاست‌گذاری رسانه‌ای»، مجله پژوهش در ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۲۴(۳)، ۴۵-۶۸.

۱۷. رستمی، احمد، (۱۴۰۱)، «جنگ شناختی در فضای مجازی؛ تهدید نوین امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات امنیت ملی، ۱۷(۱)، ۳-۲۸.

۱۸. شجاعی و صادقی، زهرا و ابوالفضل، (۱۴۰۳)، «مدیریت افکار عمومی در بحران‌های ادراکی؛ رویکرد اسلامی - ایرانی، پژوهشنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۸(۲)، ۱۲۵-۱۵۶.

۱۹. شیروانی ناغانی، مهدی، (۱۴۰۲)، ترسیم سناریوهای فراروی شبکه ملی اطلاعات جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر پیامدهای امنیتی، مجلس و راهبرد، پایگاه نشر مجلس شورای اسلامی.

۲۰. علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۱. قائمی‌نیا، محمدمهدی، (۱۴۰۱)، «مهندسی ادراک و مقابله با عملیات شناختی در فضای رسانه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۹(۴)، ۴۱-۶۴.

۲۲. کفشدار طوسی، احسان‌الله و جهانگیری، محسن (۱۴۰۰)، فقه فضای مجازی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی (ع).

۲۳. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بیروت: موسسه آل‌البیت (ع).

۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۱۰)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الطبع و النشر.

۲۵. مرکز استراتژی و تحول هوش مصنوعی شریف، (۱۴۰۳)، «شاخص هوش مصنوعی ایران؛ سنجش روندهای هوش مصنوعی در ایران»، مرکز استراتژی و تحول هوش مصنوعی شریف، قابل مشاهده در نشانی

https://aistrategy.tsc.sharif.ir/%D8%B4%D8%A7%D8%AE%D8%B5-%D9%87%D9%88%D8%B4-%D9%85%D8%B5%D9%86%D9%88%D8%B9%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86/?utm_source=chatgpt.com

۲۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۴۰۳)، «گزارش کارشناسی: چارچوب پیشنهادی تقنین در حوزه جنگ شناختی و سواد رسانه‌ای»، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۲۷. مرکز ملی فضای مجازی، (۱۴۰۴)، «سند سیاستی ارتقای تاب‌آوری شناختی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دبیرخانه شورای عالی فضای مجازی.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۹. ناظمی، محمدجواد، (۱۴۰۲)، «تحلیل سیاست‌های تنظیم‌گری رسانه‌های دیجیتال در ایران و جهان»، مجله سیاست‌گذاری عمومی، ۱۴(۱)، ۷۷-۱۰۲.
۳۰. واعظی، عباس، (۱۴۰۰)، «فقه رسانه و مشروعیت مداخلات حکومتی در فضای مجازی»، پژوهشنامه فقه معاصر، ۱۱(۳)، ۶۱-۸۵.
۳۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۴۰۳)، «گزارش ارزیابی اجرای طرح آموزش سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی»، معاونت امور رسانه‌ای، قابل مشاهده در نشانی https://report.mrc.ir/article_10478.html

ب) انگلیسی

1. ANSSI (Agence Nationale de la Sécurité des Systèmes d'Information). (2023). Rapport annuel sur la lutte contre les manipulations de l'information (Viginum Project). Paris: Government of France.
2. Atlantic Council. (2025). Disinformation Dynamics: Russian Cognitive Warfare in Europe. Washington, D.C.: Atlantic Council Digital Forensics Lab.
3. Belfer Center for Science and International Affairs. (2025). Framing and Perception Management in Chinese Cyber Strategy. Harvard Kennedy School, Cambridge, MA.
4. Black, J. (2001). Decentring Regulation: The Role of Regulation Models in Modern Governance. *Oxford Journal of Legal Studies*, 21(1), 103-146.
5. Bovaird, T. (2005). Public Governance: Balancing Stakeholder Accountability and Performance Outcomes. *Public Money & Management*, 25(3), 217-230.
6. Entman, R. M. (1993). Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm. *Journal of Communication*, 43(4), 51-58.
7. European Parliament. (2025). Countering disinformation: Institutional examples including France's VIGINUM. European Union.
8. European Union. (2022). General Data Protection Regulation (GDPR): Consolidated Text with Amendments. Brussels: Official Journal of the European Union.
9. Kingdon, J. W. (1984). *Agendas, Alternatives, and Public Policies*. Boston: Little, Brown and Company.
10. McCombs, M., & Shaw, D. (1972). The Agenda-Setting Function of Mass Media. *Public Opinion Quarterly*, 36(2), 176-187.
11. NATO Strategic Communications Centre of Excellence. (2025). *Cognitive Warfare: The Future of Hybrid Conflicts*. Riga: NATO StratCom COE.
12. Noelle-Neumann, E. (1974). The Spiral of Silence: A Theory of Public Opinion. *Journal of Communication*, 24(2), 43-51.
13. RAND Corporation. (2024). *Perception Management in the Age of Artificial Intelligence*. Santa Monica, CA: RAND Research Report Series.
14. Rid, T. (2018). The Rise of Cognitive Warfare: Beyond Propaganda and Cyber Operations. *Foreign Affairs*, 97(6), 28-39.
15. UNESCO. (2025). *Media and Information Literacy for Cognitive Resilience*. Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
16. War on the Rocks. (2025). *Information Battlespace: Agenda Control and Cognitive Warfare in Ukraine*. Washington, D.C.: WOTR Publications.



تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۲۸۰۰۰
آدرس: قم، سالاریه، خیابان میثم تمار، کوچه میثم ۱، پلاک ۱۲
کد پستی: ۳۷۱۶۹۶۴۵۹۱
cmir.parliran.ir